



انترناسیونال ۴۴۰

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۸ بهمن، ۱۷ فوریه ۲۰۱۲

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سر دبیر: کاظم نیکخواه



در باره جهت گیری و جایگاه سیاسی کنگره هشتم

مصاحبه با حمید تقوایی

کنگره باید قبل از هر چیز مظهر و نماینده و صدای کمونیسم دوره حاضر باشد. منظور من دوره ای است که از نظر سیاسی با انقلاب

تصویری از این کنگره در ذهن دارید؟ فکر میکنید کنگره باید چه خصوصیاتی داشته باشد؟ حمید تقوایی: به نظر من

انترناسیونال: حمید تقوایی کنگره هشتم حزب بزودی برگزار میشود. اولین سوال اینست که شما بعنوان لیبر حزب چه

مصر و از لحاظ اقتصادی با سقوط صفحه ۲

یادداشت سر دبیر

منع تعقیب سعید مرتضوی

غیر منتظره نبود



کاظم نیکخواه

جایگاه اعتصاب عمومی در انقلاب ۵۷

قسمت دوم

و ... کشور را فلج کرده بود و هرروز بر ابعاد آنها افزوده میشد. با اعتصاب در مراکز کلیدی اعتصاب نفت در آبادان و خارك و آغاچری

وزارت کشاورزی، بیمارستانها، مدارس، دانشگاهها و حتی رادیو و تلویزیون دولتی و مراکز مختلف نفت در آبادان و خارك و آغاچری

بویژه در مراکز کلیدی مانند آب و برق، مخابرات، دخانیات، دارائی، دادگستری، پست، راه آهن، هواپیمائی هما، بانک ملی،

اصغر کریمی
اعتصاب کارگران و کارکنان نفت: در طول مهرماه اعتصابات

بالاخره بعد از دو سال که جمهوری اسلامی دست و پا میزد که سعید مرتضوی را از زیر فشار محاکمه و زندان خلاص کند، این هفته محسنی اژه ای حرف آخر را زد و گفت سعید مرتضوی تحت تعقیب نیست. دوسال آزار این حکومت علیرغم تمام قدری و قدرتیش جرات این کار را به خود نداده بود که مهره اصلی جنایتهاش را همانگونه که میخواهد سر دست بلند کند و بخاطر جنایات غیرقابل توصیف در حق عزیزان مردم در کشتارگاه کهریزک، ترفیع مقام دهد و عزیز بدارد. برعکس ناچار شد اعلام کند که سعید مرتضوی تحت تعقیب است. ناچار شد او را از دادستانی تهران کنار بگذارد. ناچار شد مدتی او را مخفی کند و از جلوی چشمها کنار بکشد. ناچار شد از زبان نمایندگان مجلس اش بگوید که مرتضوی متهم ردیف اول جنایات کهریزک است. دو سال این اسطوره جنایت و خباثت و آدم کشی خفت داده شد. حال امروز نشسته اند و فکر کرده اند که انقلاب ۸۸ عقب نشست اما انقلاب دیگری در راه است و به امثال سعید مرتضوی نیازی حیاتی دارند و باید او را دوباره به مصدر امور نشانند و از او اعاده حیثیت کرد.

صفحه ۷

زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن

مصاحبه با شهلا دانشفر در برنامه تلویزیونی علیه تبعیض

مهمین علیپور: به پیشواز ۸ مارس است؟ شهلا دانشفر: یکی از پر جنب و جوش ترین شرایطی است که داریم به توجه به اتفاقاتی که در دنیا رخ داده

مهمین علیپور: به پیشواز ۸ مارس است؟ شهلا دانشفر: یکی از پر جنب و جوش ترین شرایطی است که داریم به توجه به اتفاقاتی که در دنیا رخ داده

بورژوازی غرب و اپوزیسیون راست

گفتگو با سیامک بهاری در مورد نشست مرکز

اولوف پالمه در سوئد

صفحه ۹

ادامه جنگ تروریستی

انفجار اتومبیل یک دیپلمات اسرائیلی در تفلیس ناموفق ماند. نظیر این اقدام در هند منجر به مجروح شدن دو اسرائیلی شد. تایلد منتشر شد. تلاش برای

بهروز مهرآبادی
هفته گذشته اخبار حملات تروریستی به دیپلمات های اسرائیلی در گرجستان، هند و تایلد منتشر شد. تلاش برای

صفحه ۴

یک آخر هفته

مصاحبه کانال جدید با اصغر کریمی، صفحه ۱۵

بازتاب هفته

عربده کشی اتمی جمهوری اسلامی

تحریم خرید یا تحریم فروش نفت؟

بهروز مهرآبادی

رویدادهای منطقه در یک نگاه!

محمد شکوهی

آکسیون مشترک فعالین اجتماعی مصر سوریه و ایران

سولیداریتی - ونکور

عباس ماندگار

صفحات ۵-۶

صفحات دیگر

۱۱ فوریه، روز دفاع از آزادی عقیده و بیان

بهار میلانی، صفحه ۱۶

۱۲ فوریه روز اعتراض به احکام اعدام و همبستگی با

کارگران زندانی در ایران

صفحات ۱۳-۱۴

تظاهرات صدها پناهجو بر علیه سیاستهای ضد پناهدگی

دولت آلمان در ورتسبورگ برگزار شد!

برخی اخبار از زندانهای ایران

صفحه ۱۲

پیامهای رسیده به کنگره ۸ حزب کمونیست کارگری

صفحه ۱۰-۱۱

همه کس میدانست و میدانند که سعید مرتضوی در جنایات وحشیانه کهریزک نقش اصلی را داشته است. و همه کس میدانست و میدانند که از نظر سران جمهوری اسلامی سعید مرتضوی بهیچ وجه گناهکار نبود. این صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

در باره جهت گیری و ...

وال استریت آغاز شده است. حزب ما تا کنون در نوشته ها و مصوبات متعددی در باره این دوره تازه و ویژگیهای آن صحبت کرده است و لازم نیست در اینجا وارد توضیح تفصیلی این موضوع بشوم. فقط میخواهم بر این تاکید کنم که شرایط سیاسی و اجتماعی هم در سطح جهان، و هم بطریق اولی در سیاست ایران، در يك مقياس کلان و استراتژیک به ضرر بورژوازی و نیروهای راست و به نفع پرولتاریا و کمونیسم و کلا نیروهای چپ و انقلابی تغییر کرده است. به نظر من در صد سال اخیر بورژوازی هیچوقت مانند امروز بی افق و گیج و سردرگم نبوده است. نه تنها از نظر اقتصادی بلکه از لحاظ ایدئولوژیک و سیاسی نیز نظریات و مکاتب بورژوازی حتی به اعتراف پیروان دو آتشه شان ورشکسته شده اند و پاسخ و چشم اندازی برای حل بحران همه جانبه ای که گریبانشان را گرفته است ندارند. از سوی دیگر به یمن انقلابات منطقه و جنبش ضد کاپیتالیستی موسوم به جنبش اشغال و یا نود و نه درصدیها در غرب، حرکت توده مردم، یا فاکتور خیابان، به يك عامل برجسته و موثر در شکل دادن به تحولات تبدیل شده است. این امر بخصوص از این لحاظ مهم است که بعد از يك دوره بیست ساله که جنگ و کشمکش میان دولت‌های غربی و نیروهای اسلام سیاسی بر همه چیز سایه انداخته بود، نیروهای سیاه قومی- مذهبی- ناسیونالیستی میداندار شده بودند، و انقلاب و آرمانهای انقلابی و کمونیستی، آزادیخواهی و برابری طلبی و ارزشهای جهانشمول انسانی، بوسیله متفکرین و رسانه ها و دولت‌های بورژوازی نفی و انکار میشد، توده های میلیونی مردم بمیدان می آیند و همانطور که منصور حکمت پیش بینی میکرد "ورق را بر میگردانند". این يك نقطه عطف تعیین کننده است. امروز دنیا به کمونیست‌های نیاز دارد که این نقطه عطف را ببینند، سئوالات گرهی و جبهه های اصلی نبرد با بورژوازی در این شرایط جدید را بشناسند و تبیین و خط و

از صفحه ۱

سیاست روشنی در قبال اوضاع حاضر داشته باشند. روشن است که بدون حضور و دخالت فعال کمونیستها بورژوازی، هر اندازه هم بحران زده و بی افق، خودبخود کنار نخواهد رفت. شرایط پرتحول و طوفانی حاضر زمینه و امکان پیروزی را فراهم کرده است اما تحقق این پیروزی تماما به فاکتور انسانی یعنی اراده و عملکرد نیروهای کمونیست در این شرایط بستگی دارد. کنگره ما در چنین شرایطی تشکیل میشود و میتواند و باید چشم انداز و افق روشنی در برخورد به تحولات امروز جهان در برابر حزب و کلبه نیروهای انقلابی کمونیست قرار بدهد.

انترناسیونال: این تاکید شما بر ویژگیهای دوره حاضر مشخصا به چه معناست؟ شما به سئوالات گرهی و لزوم داشتن يك خط و سیاست روشن در قبال اوضاع حاضر اشاره کردید. این سئوالات مشخصا کدامست و کنگره در چه سطحی میتواند به آن پاسخ بدهد؟

حمید تقوایی: به نظر من مساله دولت در محور کشمکش طبقاتی در دوره حاضر قرار دارد. دولت هم به معنی مشخص و سیاسی يك حکومت یا دیکتاتور معینی که باید بزیر کشیده شود (آنطور که در انقلابات منطقه میبینیم) و هم به معنی طبقاتی سلطه يك اقلیت مفتخور، طبقه سرمایه دار، بر جامعه و مقدرات مردم (آنطور که در جنبش نود و نه درصدیها شاهدیم). مشخصا نقد دولت مافوق مردم و ضد منافع و خواستهای توده مردم، و در مقابل، خواست دخالت مستقیم توده مردم در سرنوشت سیاسی خود و اداره امور جامعه، به مرکز و محور مبارزه میان طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار در دوره حاضر رانده شده است. این ویژگی را ما هم در انقلابات خاورمیانه و شمال آفریقا میبینیم و هم در جنبش اشغال در غرب. اینکه این جنبشها چگونه پیش میروند و امکان شکست یا پیروزیشان چقدر است و غیره بحث

دیگری است که البته تماما به نقش و عملکرد کمونیستها و بویژه کمونیسم متشکل و متحزب (مثل حزب ما) بستگی دارد. اما این روند هر چه باشد در این تردیدی نیست که این تحولات تا همین جا فصل تازه ای در مبارزه طبقاتی گشوده است که نقد توده ای دولت، در شکل دیکتاتوری عریان و یا سلطه يك درصد بر نود و نه درصد، در محور آن قرار دارد. جنبشهای جاری هر سرنوشتی داشته باشند - که البته با تمام توان باید برای تقویت و به پیش راندن و به پیروزی رساندن آنها مبارزه کرد- جنبش کمونیستی را ملزم میکنند که پرچم نقد طبقاتی دولت و ملزومات دولت بورژوازی نظیر بوروکراسی و پارلمان و دموکراسی پارلمانی را بلند کند و نمایند و مظهر دخالت توده مردم در سیاست و در اداره امور خود باشد.

این نقد توده ای دولت - در انقلابات منطقه به شکل بجالش کشیدن دیکتاتوریهها و مشخصا در مصر رضایت ندادن به بقایای حکومت ساقط شده، و در جنبش اشغال به شکل مقابله با قدرت يك درصدیها- يك ویژگی تحولاتی است که با انقلاب مصر آغاز شد. مضمون انقلابات منطقه خلاصی از شر دیکتاتوری است اما افق و آرمان این انقلابات پارلمان و یا رفرمهای اقتصادی - سیاسی ای که دیگر از نظر عینی دوره اش بسر رسیده است نیست. اینها نه انقلاب علیه استعمار و سلطه امپریالیسم است و نه علیه کمبودهای سرمایه داری و صنعتی شدن و غیره. اینها انقلاباتی علیه سلطه سرمایه است. مردم با اشغال میادین و خیابانها به جنگ دولت‌های دیکتاتوری میروند که محصول مستقیم و روینای ناگزیر نظام سرمایه داری در این نوع کشورها هستند. انقلاب ۵۷ هم چنین خلصتی داشت و بهمین دلیل گرچه بورژوازی توانست با توسل به اسلام آنرا بشکست بکشد ولی با بحران حکومتی زمینی روبرو شد که تا امروز نتوانسته است جوابی برای آن پیدا کند. اکنون در منطقه با چنین انقلاباتی مواجه هستیم با این تفاوت مهم که این انقلابات در دوره بعد از جنگ سرد و در دوره سلطه بلامنزاع

سرمایه داری بازار آزاد شکل میگیرند. یعنی در دوره ای که اولاً همه دولتها به کمپ غرب و سرمایه داری بازار آزاد متعلقند و ثانياً دیگر اسلحه اسلام سیاسی و کلا دولتهای قومی- ملی - مذهبی مدل عراق و افغانستان نه تنها از کار افتاده است بلکه خود به يك معضل بورژوازی بدل شده است

این بجالش کشیدن دولت در جنبش اشغال در غرب به شکل بارزتری خود را نشان میدهد. در غرب جنبشهای اعتراضی چپ و مترقی کم نداشته ایم اما این اولین بار است که مضمون جنبشی اعتراضی به جنگ و یا آلودگی محیط زیست و نقض حقوق مدنی و غیره نیست بلکه مقابله با قدرت يك درصدیها است. اولین بار است که جنبشی اعلام میکند وال استریت و احزاب حاکم و پارلمان و غیره متعلق به اقلیت حاکم است، و هم در شکل مبارزه (اشغال میادین و پارکها و غیره) و هم ارائه آلترناتیو خودش (نقش مجمع عمومی در اداره امور جامعه) به توده مردم متشکل در مجامع عمومی متکی میشود. از سوی دیگر از نقطه نظر شرایط عینی، که در پایه ای ترین سطح ریشه این تحولات در غرب و در شرق است، انقلاب الکترونیک و تحولی که از نظر ارتباطات، اطلاع رسانی و همسنطری و همدلی و حتی سازماندهی اعتراضات میان مردم در يك کشور و در کل دنیا بوجود آورده است، این ایفای نقش توده مردم در مبارزه و در اداره امور جامعه را بیش از پیش عملی و امکان پذیر کرده است.

همه این تحولات و تغییرات نه تنها کمونیستها را بمیدان فرا میخواند بلکه کمونیسم را به راس این تحولات میراند. یا عبارت دیگر هم امکان و هم ضرورت ایفای نقش رهبری کمونیستی را به نحو مبرم و برجسته ای مطرح میکنند. البته کمونیسمی از جنس کمونیسم

کارگری و نه چپ سنتی ای که نه امروز بلکه بیست سال پیش و با فروپاشی دیوار برلین (و در ایران به نظر من با انقلاب ۵۷) دوره اش تماما به سر رسیده بود. این دوره کمونیسمی را بمیدان فرا میخواند که بتواند طبقه کارگر را در عرصه مبارزه برای قدرت سیاسی نمایندگی کند، بتواند توده عظیم مردمی که از اوضاع موجود به تنگ آمده اند، یعنی نود و نه درصد جامعه، را حول آلترناتیو طبقه کارگر و بزیر پرچم نقد سوسیالیستی سرمایه بسیج و متحد کند، و بالاخره بتواند رهبر و سازمانده این توده عظیم ناراضی در مبارزه برای خلع ید سیاسی و اقتصادی از طبقه سرمایه دار باشد. اینها همه یعنی کمونیسم سیاسی، دخلتگر، رادیکال، اجتماعی، مدرن و متحزب. من امیدوارم کنگره ما بتواند صدا و نماینده چنین کمونیسمی باشد.

انترناسیونال: در رابطه با شرایط سیاسی ایران چه جایگاهی برای کنگره قائلید؟ این تصویری که از ویژگیهای مبارزه طبقاتی و کمونیسم امروز دادید در رابطه با وضعیت مشخص سیاسی در ایران چه جهت گیری و سیاستهای مشخصی را در دستور حزب میگذارند؟

حمید تقوایی: تا آنجا که به شرایط ایران مربوط میشود فاکتورهای عمومی که به آن اشاره کردم عمدتا در دو جنبه خود را نشان میدهد. جنبه اول موقعیت اضطراری و انفجار آمیزی است که در اثر بالاگرفتن تنشهای جنگی و گسترش تحریها در جامعه بوجود آمده است. از یکسو جمهوری اسلامی هیچگاه چنین مستاصل و بهم ریخته نبوده است و از سوی دیگر گرانی و بیکاری و فقر و خطر کمبود و قحطی هیچ زمان تا به این درجه زندگی و هستی توده مردم را تحت فشار قرار نداده بوده است. این وضعیت قابل

صفحه ۳



نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

ادامه جنگ تروریستی...

از صفحه ۱

یک مقام پلیس هند متهم دستگیر شده در این واقعه را "اجیر شده" از سوی افرادی ایرانی، اعلام کرده است. در یک درگیری مسلحانه پلیس تایلند دو نفر ایرانی را دستگیر کرد. این دو نفر از طرف مقامات تایلند متهم حمله به دیپلمات‌های اسرائیلی شده اند. در همین رابطه یک ایرانی در مالزی دستگیر شد و مشخصات یک زن ایرانی نیز بعنوان تحت تعقیب از طرف پلیس تایلند، انتشار یافته است. سوابق متعدد ترور، تهدید به عمل متقابل پس از حمله به دست اندرکاران پروژه‌های اتمی در تهران و ملیت دستگیر شدگان، موجب شده تا انگشت اتهام در این عملیات تروریستی به سوی جمهوری اسلامی گرفته شود. ادعای پیشرفت در پروژه هسته‌ای، تهدید به بستن نفت به روی اروپا و انجام عملیات تروریستی بر علیه دیپلمات‌های

در باره جهت گیری و ...

از صفحه ۱

ادامه نیست و بر همه روشن است که این شرایط آستان یک انفجار اجتماعی و تحولات زیر و روکننده ای است. این انفجار می‌تواند با ابتکار عمل و در چارچوب مناسبات دولتها و کل نیروهای کمپ ضد انقلاب، به شکل جنگ و یا کودتا و غیره، رخ بدهد و یا در شکل انقلاب و کلا تحولاتی که مبارزات توده مردم و فاکتور خیابان در آن نقش تعیین کننده ای داشته باشد. حزب ما یک نیروی فعال و تعیین کننده در شکل دهی به شق دوم، یعنی آلترناتیو انقلاب در شرایط خطیر حاضر است و کنگره می‌تواند یک رخداد سیاسی مهم در جهت تقویت این آلترناتیو باشد.

جنبه دیگری که در رابطه با وضعیت سیاسی ایران باید بر آن تاکید کرد بحران و معضل استراتژیک بورژوازی بومی و جهانی در رابطه با مساله ایران است. بورژوازی ایران از مقطع انقلاب ۵۷ تا امروز با یک بحران حکومتی دست بگریبان بوده است و ما در نوشته‌ها و اسناد حزبی متعددی تا کنون این موضوع را توضیح داده ایم. اما امروز مساله بورژوازی ایران - و جهان - فقط به معضل حکومت اسلامی و آلترناتیو سازی در برابر آن

فراهم کرده است. در عرصه بین المللی تا آنجا که پای سود های هنگفت در میان است سایر دولت‌ها نگران جار و جنجال‌ها و حتی بعضی اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی نیستند. همه می‌دانند که مرز ماجراجویی‌های رژیم را مبارزات مردم ایران تعیین کرده و آن را مهار می‌کند. ترس از به خیابان آمدن مردم و در مقابل امواج خشم آنها قرار گرفتن، رژیم را به هر گونه مصالحه و سازشی در صحنه بین المللی ناچار می‌کند. آنچه که برای سرکردگان جمهوری اسلامی اهمیت دارد حفظ نظام به هر قیمت و با هر شیوه ممکن و اجتناب از هر حرکتی است که فضا را برای حرکت و دخالت مستقیم مردم باز کند. با وجود عریده کشی‌ها و قلدری‌ها، عجز و زبونی حکومت اسلامی در مقابل هر گونه فشار خارجی بر هیچ کس پوشیده نیست.*

قطعه‌نامه‌های مشخصی به کنگره ارائه شده است که در کنگره مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. اما علاوه بر قطعه‌نامه‌ها و مصوبات کنگره به نظر من نفس تشکیل کنگره حزب در این شرایط، با همه بحثها و سخنرانیها و اسناد و پیامهایش، می‌تواند و باید یک رخداد سیاسی مهم در جهت تقویت کمونیسم و در صف نقد کمونیستی وضعیت موجود در جهان و در ایران باشد. رخدادی نه صرفا در چارچوب تعیین خط و سیاستهای حزب بلکه در مقیاس کلان تر در پاسخگویی جنبش کمونیستی جهانی به سرمایه داری پرحرانزده عصر ما. به نظر من این کنگره کاملا از ظرفیت ایفای چنین نقشی برخوردار است.

در عین حال روشن است که این کنگره حزب معینی با توان و امکانات معینی در مبارزه طبقاتی در جامعه ایران است. از این زاویه باید کنگره را نقطه مهمی در سیر و روند فعالیتها و سیاستهای حزب دانست. خط و جهت گیری حزب در تمام طول فعالیتش و حتی تاکیدات و اولویتهای حزب در مورد دوره حاضر روشن و اعلام شده است و مشخصا نکاتی که در بالا اشاره کردم در اسناد و ادبیات حزب ما (از جمله در قطعه‌نامه‌ها آخرین پلنوم حزب) به تفصیل توضیح داده

منع تعقیب سعید مرتضوی...

از صفحه ۱

وحشت از انقلاب مردم خشمگین و بجان آمده بود که همه اینها را بجان هم انداخت و امثال سعید مرتضوی را در روضه خوانیهای این جانیان به جایگاه متهم نشانند. با توجه به این اعلام منع تعقیب سعید مرتضوی از جانب دادستان جمهوری اسلامی بهیچ وجه برای مردم ایران غیر منتظره و عجیب نیست.

سعید مرتضوی برای مردم ایران سمبل کل جمهوری اسلامی است. او یک آدم کش و جنایتکار بیرحم است که دستش مستقیما به خون آلوده است. او قاتل بسیاری از عزیزان مردم است. او قاتل زیبا کاظمی است. مهره اصلی جنایات فجیع کهریزک است. بعنوان دادستان تهران شمار بسیاری شکنجه و تجاوز و قتل در پرونده خود دارد. همه اینها برای مردم شناخته شده است. اما او تنها نیست. این را همه مردم

شده است. کنگره فرصت و امکان مناسبی برای نوعی جمع‌بندی و تاکید و تمرکز و جلب توجه جامعه، همه آزادیخواهان و انقلابیون و همه معترضین به وضعیت موجود - و نه تنها فعالین حزبی و یا کمونیستها - بر خط و جهتگیری سیاسی حزب در این دوره است. کنگره باید بروشنی اعلام کند که تبیین حزب از شرایط حاضر در سطح جهانی و بویژه در ایران چیست، بر کدام نکات و مسائل کلیدی تاکید می‌گذارد، چه سیاست و جهت گیری در برخورد به این مسائل دارد و چه آلترناتیو و راه حل‌هایی را مطرح میکند.

تا آنجا که مشخصا به آمادگی حزب مربوط میشود من فکر میکنم از لحاظ سیاسی حزب تا حد زیادی آماده است و امیدوارم کنگره بیش از پیش حزب را برای ایفای نقش سیاسی اش در این دوره آماده و مجهز کند. اما از نظر عملی و انجام

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

انترناسیونال را بخوانید و وسیعا تکثیر و پخش کنید

زنده باد ۸ مارس...

از صفحه ۱
شهبلا دانشفر



استقبال ۸ مارس میرویم. ۸ مارس امسال را باید در دل انقلاباتی که در شمال آفریقا روی داده و در تداوم این اعتراضات دید. همینطور ۸ مارس را باید در دل اوضاعی دید که در کشورهای مختلف جنبش عظیمی علیه سرمایه داری و مصائب آن به جریان افتاده است. همچنین در ایران که جامعه در التهاب و مبارزه است و ما شاهد یک جنبش قدرتمند علیه تبعیض علیه زنان هستیم. در دل چنین شرایطی است که به استقبال ۸ مارس میرویم. شرایطی که حقیقتاً از نظر من وجدآور و تاریخی است. وقتی به سطح جهانی نگاه میکنیم میبینیم که مبارزه برای آزادی زن، جنبش علیه تبعیض یکی از محورهای انقلابات در شمال آفریقا و در منطقه است. نمونه های آنرا اشاره میکنم. بطور مثال در مصر وقتی که جریانات اسلامی به تکاپو افتادند و سعی کردند که قوانین اسلامی را جلو بکشند دیدیم که چگونه در آنجا علیا المهدی با گذاشتن تصاویر برهنه خود بر روی فیس بوک در مقابل این تعرض ایستاد و در واقع علیه اسلام سیاسی و قوانین ارتجاعی اسلامی قد علم کرد. و کار او با استقبال جهانی مواجه شد و اعتراض جنبش آزادی زن را علیه آپارتاید جنسی جریانات اسلامی اعلام کرد. دیدیم که خیلی از مراجع مذهبی و مرتجعین علیه او فتوا دادند، او را تهدید کردند ولی تظاهراتهایی در حمایت از علیا در خود مصر برپا شد. و تبدیل به کمپینی جهانی شد. خود این اتفاق نشانه ای از یک توازن قوای جدید در کل منطقه و در کل جهان است علیه اسلام سیاسی بعنوان جریانی که مستقیماً ضد زن است، مستقیماً مظهر تبعیض علیه زن است و پرچم آن حجاب و آپارتاید جنسی است و نمونه بارزش جمهوری اسلامی است. به همین دلیل این حرکت در ایران نیز تاثیر بسیار زیادی گذاشت. بعد از آن در تونس ما شاهد اعتراضاتی از این دست هستیم. در تونس گفتند اسلامی ها بخش زیادی از کرسی ها را از آن خود کرده اند. ما گفتیم این زود گذر خواهد بود. گفتیم مردم تونس، مردم مصر، و انقلاباتی که صورت گرفته است برای این انقلاب نکرده اند که میداندارش

چه اعتراضات شجاعانه ای وجود دارد که دارد مهر خود را به اوضاع امروز جهانی میکوبد. در ادامه همین تحولات و زیر فشار همین اعتراضات است که فرصا شما در ابتدای برنامه در خبرها از ممنوع شدن بورق در هلند صحبت کردید که بعد از بلژیک و فرانسه سومین کشور است که بورق را ممنوع اعلام میکند. بساط اسلام سیاسی، بساط این تحجر، بساط این تروریسم اسلامی دارد جارو میشود. و این جنبش آزادی زن است که در راس این مبارزه قرار دارد. انقلاباتی در منطقه که یک رکن مهم آنها زنان هستند. انقلاباتی که رنگ زنانه دارد برای اینکه علیه اسلام سیاسی قیام میکند و برای اینکه علیه آپارتاید جنسی قد علم میکند. اتفاقی که در ایران می بینید و نداها، گلشیفته ها را می بینید. بدین ترتیب روشن است که هشت مارس امسال چرا متفاوت از هر سال و مهم است. در چنین فضای، در چنین موقعیتی و در چنین توازن قوایی باید به پیشواز هشت مارس رفت. بنابراین هشت مارس باید روز نه بزرگ ما مردم علیه جمهوری اسلامی، علیه قوانین ارتجاعی اش، علیه جنایات و سرکوبش، و علیه سنگسارها و اعدامهایش و کل توحش و بربریتش باشد.

مهین علیپور: شهبلا دانشفر من برمیگردم به همان جنبش برهنگی و یا من اسمش را میگذازم حق انتخاب تام و کامل برای زنان. بطور کلی در ایرانی که ما قانون داریم برای پوشش اجباری، ماده ۶۲۸ قانون مجازات اسلامی میگوید زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم میشوند. که البته به تجربه دیده ایم که البته میشود گفت که جمهوری خیلی بدتر از اینها با زنان برخورد کرده است. این جنبش برهنگی در ایران چه انعکاسی داشته و یا بهتر است بگویم در ایران چه باید کرد؟

شهبلا دانشفر: ببینید این جنبشی که شما از آن صحبت میکنید ۳۲ سال است که برپا خاسته است. این جنبشی است که امروز دیگر خودشان دارند از بیحجابی سخن میگویند. میگویند دیگر موضوع بدحجابی نیست. بلکه موضوع برداشتن

حجابهاست. به یک معنا حجابها برداشته شده است. بنابراین میخواهم بگویم جنبش علیه حجاب و تبعیض جنسیتی جنبش عظیمی است. اینها به قول شما جریمه تعیین میکنند. اوپاش حزب الله خود را در خیابان میچرخانند. علیه بدحجابی و بیحجابی و غیره قانون میگذارند. سنگسار میکنند. دستگیر و زندانی میکنند. تجاوز میکنند و ۳۳ سال است که بطور سیستماتیک همه این فشارها را آورده اند و می بینیم امروز جامعه اینجا ایستاده است. اتفاقاً یکی از عرصه هایی که مردم ایران توانستند جمهوری اسلامی را به استیصال بکشانند همین عرصه است. عرصه جنبش آزادی زن است. که بطور بارز اکنون پژواک آنرا در جنگ هر روزه مردم در خیابانها علیه حجاب میشوند. صدایش را از گلشیفته میشوند. امروز دیگر این تنها در ایران نیست بلکه در مصر و هر جایی که جریانات اسلامی تحرکی پیدا میکنند، در مصر و کشورهای شمال آفریقا همین بساط است. صدایش را در مصر از علیا میشوند. این جنبشی است که به طور واقعی در سطح جهانی چهره هایی چون مریم نمازی و مینا احدی سخنگویانش هستند. اما اینکه در ایران چه باید کرد میخواهم بگویم که با توازن قوایی که امروز وجود دارد، بسیار قدرتمند تر میشود جلو رفت. به این معنا که حجاب برگیران باید یک جنبش عظیم و سازمانیافته و گسترده در تمام ایران باشد. ما بارها دیده ایم که گروههای جوانان وارد مترو میشوند و با حجاب برگیران و شعاردهی آکسیونهای موضعی کوتاهی را برپا میکنند. یا ما دیده ایم که در خیلی از مناطق زنان حجاب برداشته اند. یا بیحجاب رانندگی کرده اند. جشن آب بازی جوانان در همین تابستان علیه تبعیض جنسیتی را شاهد بودیم و غیره و غیره. اینها همه اشکالی از مبارزه با ابتکاراتی جالب است که میتوان گسترش داد. میتوان بصورت آکسیونهای محلی حجاب برگیران محلی و موضعی رفت. ببینید قدرت مردم در تجمعاتشان است و این را مصر در تحریر نشان داد. این دیگر اکنون

جوانان در محلات را سازمان داد که وقتی رژیم اوپاش حزب الله خود را به خیابانها و اماکن عمومی و محلات میریزد، متحدانه در مقابل آنها ایستاد. سازمان دادن چنین اعتراضاتی یعنی عقب زدن سنگر به سنگر جمهوری اسلامی. این یعنی زمین زدن حجاب این شیشه عمر جمهوری اسلامی و این یک عرصه مهمی از مبارزه علیه این رژیم ضد زن است. اما جدا از همه اینها به طور مشخص تر برای هشت مارس باید کوشید که همه جا را از شعارهای خود و با شعارهای زنده باد هشت مارس روز جهانی زن، نه به حجاب، نه به تبعیض جنسیتی، و شعارهایی که خواستهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه ما مردم را بیان میکنند پر کرد. از هم اکنون خواستهای خود را بصورت قطعنامه های روشن و بیابیه ها آماده و وسیعاً پخش کرد. هشت مارس را همچنین در جمع های دوستانه و خانوادگی باید جشن گرفت. هشت مارس را در محلات باید گرامیداشت و در یک کلام کاری کرد که کل جامعه رنگ و بوی هشت مارس روز اعتراض علیه یکی از ضد زن ترین حکومت های جهان را بخود بگیرد.

مهین علیپور: درست است. طبعاً این اتفاقات در ایران افتاده است. اما اکنون باید در سطح میلیونی و گسترده تر آنرا به پیش برد.

شهبلا دانشفر: دقیقاً. بویژه ما از گسترش چنین مبارزاتی در توازن قوای جدیدی داریم صحبت میکنیم. و در این توازن قوای جدید میشود در هشت مارس امسال به استقبال تجمعات بسیار گسترده تر رفت. میشود به استقبال آکسیونهای بصورت حجاب برگیران محلی و موضعی رفت. ببینید قدرت مردم در تجمعاتشان است و این را مصر در تحریر نشان داد. این دیگر اکنون



بازتاب هفته

عربده کشی اتمی جمهوری اسلامی



بهروز مهر آبادی

نیروگاه های هسته ای بالا تر است. مانند همیشه به اظهارات و گفته های مقامات جمهوری اسلامی نمی شود اطمینان کرد. اما این ادعا ها را می توان تدارک شروع مذاکرات با گروه ۵+۱ دانست. تقاضای برقراری مجدد مذاکرات با گروه ۵+۱ در مورد برنامه های اتمی جمهوری اسلامی از چندی پیش از طرف مقامات رژیم مطرح شده بود. روز ۲۶ بهمن سعید جلیلی دبیر شورای امنیت ملی رژیم در نامه ای به کاترین اشتون مسئول سیاست خارجی و امور امنیت اتحادیه اروپا، آمادگی جمهوری اسلامی را برای شرکت در مذاکرات پیرامون فعالیت های هسته ای رژیم ایران، اعلام نمود. با به بن بست رسیدن مذاکرات در یک سال قبل گروه ۵+۱ از سر گرفتن گفتگو ها را به شرط جدی بودن جمهوری اسلامی برای پذیرفتن شرایط این گروه اعلام کرد. درخواست از سر گرفته شدن مذاکرات عملا به معنی پذیرفتن این شرط است. اما در عین حال برخلاف مذاکرات قبلی که جمهوری اسلامی تلاش داشت روی ابعاد فعالیت های

هسته ای خود سرپوش بگذارد، رژیم اینبار تلاش دارد با مطرح ساختن پیشرفت های خود در این زمینه، امتیازاتی در مذاکرات آتی بگیرد. مقامات آمریکا و اسرائیل ادعاهای جمهوری اسلامی در مورد پیشرفت پروژه های اتمی اش را مبالغه آمیز ارزیابی کرده و مورد استفاده آن را برای معضلات داخلی رژیم دانسته اند. اما گذشته از اینکه صحبت های احمدی نژاد چقدر صحت داشته باشد، برای او و هم جناحی هایش این تبلیغات یک خاصیت درون رژیمی در نزاعها و رقابتهای جناحهای حکومت را دارد. او تلاش دارد در آستانه انتخابات مجلس اسلامی و دعوا بر سر تقسیم قدرت در درون رژیم، حمایت گروههای ناسیونالیست و گروههای ملی مذهبی را جلب کند. این گروه ها همواره حامی پروژه های اتمی جمهوری اسلامی و دستیابی به سلاح هسته ای، بوده اند. تبلیغات رژیم در مورد پیشرفت های هسته ای را می توان کوشش برای سایه انداختن به فقر و فلاکت و گرانی و وحشتناکی دانست که ابعاد آن قابل توصیف نیست و حتی دست اندرکاران نظام از وجود "قحطی" سخن می گویند. این تبلیغات را می توان اعلام قدر

آکسیون مشترک فعالین اجتماعی مصر سوریه و ایران سولیداریتی - ونکور

مصر - برای جلوگیری از کشتار مردم دوسوریه و برای آزادی رهبران کارگری و فعالین سیاسی از زندانهای جمهوری اسلامی ایران همراه و هم صدا شدند. جالب است که ۱۱ فوریه سالروز انقلاب به تاراج رفته مردم ایران علیه رژیم شاه هم هست. خوشبختانه مردم پسا خواسته در تونس - مصر و کشورهای دیگر منطقه تجربیات مردم ایران و

ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر شنبه ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ جلوه با شکوهی از همبستگی مردم انقلابی و آزادیخواه در مقابل آرت گالری ونکور بنمایش گذاشته شد. دهها نفر از فعالین سیاسی - اجتماعی مصر - سوریه - جنبش اشغال ونکور و ایران سولیداریتی - ونکور به مناسبت سالروز انقلاب جاری مردم مصر گرد هم آمدند و برای ادامه انقلاب در

زنده باد ۸ مارس ...

الگو شده است و الاستریت و جنبش ۹۹ درصدی ها و مجامع عمومی و اجتماعات این جنبش الگو شده است. در ایران هم تجمعات جوانان، تجمعات بخش های مختلف جامعه بطور مثال در اعتراض علیه حجاب اجباری، در اعتراض علیه تبعیض جنسیتی، در اعتراض به فقر و فلاکت و در اعتراض به همه اینها میتوانست قدرتی باشد که هرگونه سرکوبی را عقب بزند. ما در اوضاع بسیار متحوالی داریم از ۸ مارس صحبت میکنیم و ۸ مارس یکی از آن

روزهایی هست که بدون شک میتواند توازن قوا را به نفع ما تغییر دهد. مهین علیپور: وقت کم است، بعنوان آخرین سوال در خارج کشور چه بکنیم؟ در جایی مثل افغانستان یک زن ۲۸ ساله وقتی سومین دخترش را بدنیا می آورد توسط شوهرش و مادر شوهرش خفه میشود. برای اینکه شاهد این فجایع باشیم در سطح بین المللی چه باید کرد؟ شهلا دانشفر: کوتاه و مختصر

قدرتی رژیم در مقابل مردم و به قصد ایجاد فضای ترس و وحشت علیه مردمی دانست که برای سرنگونی این حکومت روزشماری میکنند.*

تحریم خرید یا تحریم فروش نفت؟

در ادامه شدت دادن تحریم های اقتصادی بر علیه ایران، اتحادیه اروپا در سوم بهمن تصمیم به تحریم خرید نفت ایران گرفت. این تحریم قرار است از اول ژوئیه عملی شود. در واکنش به این اقدام مجلس اسلامی طرح دو فوریتی تحریم فروش نفت به اتحادیه اروپا را تصویب نمود. روز ۲۶ بهمن وزارت امور خارجه رژیم سفرای ۶ کشور اروپایی را در اعتراض به تصمیم تحریم خرید نفت ایران، احضار کرد. خبرگزاری فارس خبر از بستن شیرهای نفت به سوی کشورهای اتحادیه اروپا داد اما حسن تاجیک مدیر کل اروپای غربی وزارت خارجه رژیم گفت که صدور نفت به این کشورها فعلا قطع نمی شود اما این را یک تهدید جدی اعلام کرد. سخنگوی وزارت نفت جمهوری اسلامی نیز اعلام کرد که: "اگر ایران تصمیم بگیرد صادرات خود را متوقف کند این مسئله از طریق شورای امنیت اعلام می شود". در

باره قطع صدور نفت به اروپا خبر های ضد و نقیض از طرف مقامات و رسانه های رژیم منتشر شده که می تواند دلیلی بر بلا تکلیفی و اختلاف نظر بین مقامات حکومتی باشد. رژیم در عین حال که می خواهد خود را از تک و تا نینداخته و قدرت نمایی کند، اما بخاطر بحران عمیق اقتصادی، نمی تواند از درآمد فروش دولتهای اروپایی از مدتها قبل دست به تدارک جایگزینی برای نفت ایران شده اند، منابع مختلفی از جمله عربستان، لیبی، روسیه، عراق برای جبران کمبود وجود دارد. در بیشتر کشورها معمولا ذخایر سوخت برای مصرف چند ماه در نظر گرفته می شود. با وجود بحران اقتصادی و پائین بودن مصرف و همچنین نزدیک بودن خاتمه فصل سرما، تهدید به قطع فروش نفت از طرف جمهوری اسلامی هر چند به بالا رفتن قیمت نفت کم کرده است، اما برای دولت های اروپایی غیر قابل تحمل نیست. در کنار جنجال های رژیم برای توجیه وضعیت وخیم اقتصادی، تهدید به بستن شیرهای نفت به روی اروپا می تواند خاطره تهدید بستن تنگه هرمز را به دست فراموشی بسپارد.*

سولیداریتی مورد استقبال شدیدی شرکت کنندگان در آکسیون قرار گرفته و شمار زیادی از زنان سوری از طرح این نکات تشکر کرده و خود پشت میکروفن قرار گرفته و نظراتشان را بیان داشتند. این آکسیون قدمی عملی و بسیار مثبت در تقویت همبستگی بین المللی بین مردم آزادیخواه بود.

۱۲ فوریه ۲۰۱۱
عباس ماندگار - غرب کانادا

دارید و همین جا خوست که به شما خسته نباشید بگویم بعنوان یکی از فعالین و چهره های دست اندر کار در این عرصه از مبارزه، خیلی متشکرم که این وقت را به من دادید.

مهین علیپور: نهایت تشکر را دارم. به امید داشتن شما در برنامه های آتی.*

یک خواست مهم ما بسته شدن سفارتخانه های جمهوری اسلامی این رژیم آپارتاید جنسی در همه کشور هاست. جنبش آزادی زن باید در این زمینه هم فعال و پیشرو باشد. در هر حال هشت مارس امسال میتواند یک هشت مارس تاریخی باشد و با چنین تصویری باید به استقبالش رفت. طبعاً شما خودتان تجربیات بسیاری

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید

سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی

بدل میشود!

بازتاب هفته

رویدادهای منطقه در یک نگاه!



محمد شکوهی

سوریه: توحش و جنایات رژیم بشار اسد هر روز بیشتر می شود

از اواخر هفته گذشته ارتش سوریه حملات گسترده ای را برای در هم شکستن مقاومت و مبارزه مردم در شهر حمص آغاز کرده است. شهر حمص توسط هزاران نیروی نظامی محاصره شده و گلوله باران و بمبارانها ادامه دارد. در جریان این حملات بیش از ۷۰۰ نفر کشته و هزاران نفر زخمی گشته اند. علیرغم حملات وحشیانه رژیم موفق نشده است این شهر را تصرف نماید. خبرگزاریها اوخر هفته گذشته اعلام کردند که هزاران نیروی سپاه قدس جمهوری اسلامی وارد سوریه شده و در کنار نیروهای ارتشی به سرکوب مردم ادامه می دهند. براساس اسناد و گزارشاتی که به بیرون درز کرده است سپاه قدس به فرماندهی قاسم سلیمانی در سرکوب مردم سوریه شرکت دارد. تعدادی از نیروهای نظامی رژیم که توسط "ارتش آزاد سوریه" به اسارت گرفته شده اند، در اعترافات خود خبر دخالت فعال سپاه قدس در سرکوب مردم را تأیید کرده اند. علاوه بر این دستگیرشدگان اعلام کرده اند که متخصصان پاسدار ایرانی اقدام به شلیک بمبهای سمی در سرکوب مردم کرده اند. در همین رابطه "شورای ملی سوریه" با صدور بیانیه ای اعلام کرد که اخبار دخالت سپاه قدس و سایر نیروهای اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی در سرکوب مردم در شهرهای حمص، درعا و دمشق موثق می باشد. در این میان خامنه ای به مناسبت های مختلف در دفاع از رژیم اسد صحبت کرده و از دولت و مقامات حکومت خواسته است که در دفاع از رژیم اسد

دریغ نمایند. در اوایل این هفته صالحی وزیر خارجه جمهوری اسلامی اعلام کرد که حمایت از رژیم اسد "اولویت" رژیم می باشد. در راستای حمایتهای جمهوری اسلامی از رژیم اسد، شرکتها و تجار سوری که در خارج کشور می باشند، برای دور زدن تحریمهای کشورهای غربی بر علیه جمهوری اسلامی دست به کار شده اند. براساس اخبار و گزارشات عوامل و نمایندگان اقتصادی رژیم سوریه با امکاناتی که در اختیار دارند وسیعا به کمک رژیم اسلامی برای دور زدن تحریمها فعال شده اند. در ازای این خدمات عوامل رژیم اسد به جمهوری اسلامی، دولت ایران کمکهای بلاعوض میلیاردي به همراه صدور برق و نفت به سوریه را ادامه می دهد.

در واکنش های جهانی به سرکوب مردم در سوریه، اتحادیه اروپا و آمریکا کماکان بر "دیپلماسی اعمال فشار" بر رژیم اسد ادامه می دهند. تعدادی از کشورهای اروپایی و آمریکا ضمن محکوم کردن کشتار مردم سوریه، سفیرانشان را از دمشق فراخوانده اند. قرار است امروز پنجشنبه ۱۶ فوریه شورای امنیت سازمان ملل دوباره در مورد سوریه تشکیل جلسه بدهد. در این جلسه قرار است در مورد محکومیت رژیم اسد بحث و تصمیم گیری شود. کشورهای روسیه و چین به سیاست حمایت از رژیم اسد ادامه می دهند. روسیه اعلام کرده است که هر قطعنامه ای در مورد محکومیت رژیم اسد را وتو خواهد کرد. بر اساس آخرین اخبار و گزارشات منتشر شده بعد از ظهر روز پنجشنبه نیروهای امنیتی رژیم در دمشق عملیات شناسایی و دستگیری مخالفان را به اجرا گذاشته اند. تا کنون صدها نفر دستگیر و به مکانهای نامعلومی منتقل شده اند. رژیم اسد که در انزوای شدید در منطقه و در سطح جهانی قرار دارد، روز چهارشنبه این هفته اعلام کرد که "فرانودم قانون اساسی" را همین ماه برگزار خواهد کرد. اسد ادعا کرد که قرار است نظام "چند حزبی و انتخابات آزاد" برگزار نماید. در واکنش به این خبر نیروهای

مخالف رژیم سوریه اعلام کرده اند که نه فراندوم و نه انتخابات را قبول ندارند و از مردم خواسته اند که برای به زیر کشیدن رژیم اسد مبارزاتشان را هر چه گسترده تر نمایند. علیرغم حدت و شدت سرکوب ها و وحشیگریهای رژیم اسد مردم سوریه همچنان در صحنه بوده و برای به ثمر رساندن انقلابشان به مبارزاتشان ادامه می دهند. رژیم جنگی تمام عیار برای سرکوب انقلاب را در دستور گذاشته است. ترس و وحشت اسد و جمهوری اسلامی از سرنگونی رژیم اسد، خواب آرام را از چشمان دیکتاتورها در ایران و سوریه ربوده است. سرنگونی اسد مهلك ترین ضربه بر پیکر اسلام سیاسی و نماینده رسمی آن جمهوری اسلامی خواهد بود.

لبنان: تظاهرات بر علیه رژیم اسد!

در این هفته تظاهرات در طرابلس لبنان بر علیه رژیم اسد و هواداران لبنانی اش برگزار گردید. تظاهرات را گروههای مدافع حقوق بشر و مخالفان رژیم اسد و حزب الله لبنان فراخوان داده بودند. در ادامه تظاهرات نیروها و دار و دسته های مسلح وابسته به حزب الله و جنبش عمل اسلامی اقدام به تیراندازی بسوی مردم تظاهر کننده کردند. در جریان این تیراندازیها ۲ نفر کشته و چند نفر زخمی گشته اند. در همین رابطه ارتش لبنان با اعزام نیروهای امنیتی به منطقه ای که تظاهرات در آن ادامه داشت، در صدد کنترل اوضاع برآمده است. لازم به یادآوری است که رژیم سوریه بیش از دو دهه است که بخش هایی از لبنان را عملا اشغال کرده و با همکاری حزب الله و جمهوری اسلامی در آن مناطق حکومت میکنند. اعتراض علیه رژیم اسد در منطقه تحت نفوذ حزب الله لبنان برگزار گردید. از آغاز اعتراضات مردم سوریه بر علیه رژیم اسد حزب الله لبنان ناچار شده قرارگاهها و مراکزش در خاک سوریه را از ترس حمله مردم انقلابی سوریه ترك نماید. علاوه بر این از نظر مردم سوریه حزب الله جریانی است که در سرکوب مردم دست دارد، به همین دلیل مردم سوریه در تظاهرات

هایشان در چند ماه گذشته پرچهای حزب الله را در کنار عکس اسد و خامنه ای به آتش کشیده اند. حزب الله در کنار رژیم سوریه و مخالفان انقلابات مردم قرار گرفته و روز بروز منزوی تر گشته قدرت و نفوذ سیاسی و نظامی اش را در مناطق تحت کنترلش در لبنان را از دست می دهد. "بهار عربی" به لبنان و نواز غزه هم رسیده است. وضعیت حماس و سایر دار و دسته های تروریست اسلامی که مورد حمایت جمهوری اسلامی و اسد قرار دارند، تضعیف شده است.

مصر: تظاهرات هزاران نفری در سالگرد سقوط مبارک!

در این هفته تظاهراتهای بزرگی در سالگرد سقوط رژیم مبارک در شهرهای مصر برگزار گردید. در میدان التحریر دهها هزار نفر ضمن برپایی تظاهرات، بر علیه نظامیان و دولتشان شعار دادند. تظاهر کنندگان خواهان پایان سرکوب اعتراضات مردم، پیکبری جنایت کشتار مردم در پورت سعید و انتقال قدرت به غیر نظامیان شدند. در نظر سنجی که در باره انقلاب مردم بعد از یکسال از سقوط رژیم انجام شده است ۵۴ درصد مردم معتقدند که اوضاع فرقی نکرده است. مبارک رفته ولی اوضاع آزادیهای سیاسی و فعالیت احزاب و ویژگیه شرایط اقتصادی نه فقط بهبود نیافته، بلکه بدتر هم شده است. در مورد محاکمه مبارک و سران دولتش مردم معتقدند که دولت نظامیان نفعی در محاکمه نداشته و به همین خاطر این موضوع را کش میدهد تا مشمول مرور زمان شود. دو هفته پیش سازمانهای مدافع

حقوق بشر اعلام کردند که در یکسال گذشته ۱۲ هزار نفر دستگیر و توسط دولت نظامیان در دادگاههای نظامی محاکمه و محکوم شده اند. وضعیت زندانیان بدتر شده و دولت اجازه بازدید از زندانها را نمی دهد.

لیبی: سالگرد آغاز اعتراضات!

در این هفته مردم شهر بنغازی سالگرد اولین تظاهرات بزرگ بر علیه رژیم قذافی و آزادسازی این شهر را جشن گرفتند. یکسال پیش در چنین روزی مردم بنغازی را آزاد کرده و پیروزی خودشان را بر رژیم قذافی تسریع نمودند. در تظاهراتهایی که به همین مناسبت در پایتخت و در شهر بنغازی برگزار شده مردم خواهان بهبود اوضاع اقتصادی، محدود کردن قدرت دار و دسته های نظامی مسلح که تحت فرمان دولت انتقالی هستند، شدند. حدود سه هفته پیش تظاهرات در همین شهر بر علیه دولت موقت و عملی نکردن وعده هایش برگزار گردید و معترضان مقر دولت موقت را برای ساعاتی به اشغال خود درآوردند. ناراضییتی از اوضاع سیاسی، اقتصادی و وضعیت حقوق بشر در لیبی بالا است. بر اساس گزارشات منتشر شده دار و دسته های نظامی هنوز در مناطقی از این کشور به اذیت و آزار مردم ادامه می دهند، وضعیت زندانیان وحشتناک است و سازمان عفو بین الملل دولت لیبی را به نقض حقوق بشر و حقوق زندانیان متهم کرده است. نزدیک به ۱۰ هزار زندانی در لیبی وجود دارد که هنوز بدون هیچ محاکمه و حق و حقوقی و در بدترین شرایط در زندانها بسر می برند.*

شب همبستگی با کارگران زندانی در ایران کانادا، تورنتو

زمان: یکشنبه، اول آوریل ۲۰۱۲، ساعت ۶ تا ۹ شب
مکان: سالن کتابخانه مرکزی نورث یورک، طبقه دوم، ۵۱۲۰ خیابان یانگ
برگزارکنندگان:
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران. کانادا
تشکیلات خارج کشور حزب

Phone: 647-298-0409

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

جایگاه اعتصاب عمومی

در ... از صفحه ۱



سراسری شروع شده بود. اعتصابات چنان گسترده و کمرشکن بود که حکومت نظامی قادر به هیچ کاری در مقابل آن نبود و کاملاً فلج شده بود. دولت مدام جلسه می‌گرفت و در مقابل اعتصابیون کوتاه می‌آمد. دوازده و نیم درصد به کلیه حقوق‌ها افزوده شد و مزایای دیگری نیز به کارمندان داده شد. حقوق‌ها در مراکز حساسی مانند مخابرات تا دو برابر افزایش یافت. هاشم سجادی (صابر آزاد) از رهبران اعتصاب کارکنان مخابرات می‌گوید: "اعتصاب چند روزه مخابرات در نیمه اول مهرماه با پذیرش خواسته‌های اعتصابیون پایان یافت اما پس از چند روز مجدداً شروع شد و اینبار رنگی تماماً سیاسی داشت. با اعتصاب مخابرات، مخابرات ارتش دچار اختلال شد و اخبار شب تلویزیون نیز که توسط بخش ماکروویو مخابرات به شهرستان‌ها رله می‌شد از آبان ماه هر شب به مدت نیم ساعت توسط پرسنل فنی مخابرات قطع می‌شد. روزها نیز بین ساعت ده تا ده و نیم صبح کل سیستم را در همبستگی با مردم قطع می‌کردیم. اما بقیه روز مخابرات کار می‌کرد تا ارتباط مردم با هم قطع نشود." اعتصاب کارگران و کارکنان نفت نقطه عطف مهمی نه تنها در گسترش اعتصابات، بلکه در روند انقلاب ۵۷ بود. با اعتصاب کارکنان نفت که محرك بسیاری اعتصابات دیگر نیز بود، انقلاب از قدرت عظیمی برخوردار شد و نهایتاً کمر حکومت شکسته شد. با گسترش اعتصاب در پالایشگاه‌ها و مراکز تولید و توزیع نفت و بنزین، سیستم حمل و نقل در سطح کشور مختل شد و صدها مرکز بزرگ تولیدی بدلیل نرسیدن سوخت و قطعات یدکی و مواد اولیه از کار افتاد. با این اعتصاب منبع اصلی درآمد دولت از بین رفت و جای مانوری برای حکومت باقی نگذاشت. رادیکالیسمی به میدان آمد که به انقلاب قدرتی دو چندان می‌داد.

اعتصاب نفتگران مهمترین اهرم انقلاب در این مقطع بود. بحران حکومت عمیق تر شد، انقلاب دیگر کاملاً به مسیر سرازیری افتاده بود و به سرعت همه جا را فرامی‌گرفت. دیگر راه برو برگردی برای حکومت دیده نمی‌شد. نه هیچ درجه سرکوب و نه هیچ امتیازی به مردم فایده‌ای به حال حکومت نداشت. حکومت در حال در هم شکستن بود و خشت خشتش از هم می‌پاشید. اما اپوزیسیون اسلامی نیز ترس و وحشتش از رادیکالیسم انقلاب بیشتر نمایان می‌شد. فضای انقلاب قطبی شد. چپ و راست در سطح اجتماعی خود را به منصفه ظهور گذاشت. اعتصاب در مراکز مختلف نفت در خوزستان ابتدا با خواست‌های صنفی و سپس با خواست‌های سیاسی شروع شد و به سرعت به زورآزمایی با ارتش منجر شد. اعتصاب هزاران کارگر شرکت‌های نفتی در جزیره خارک جزء اولین اعتصابات نفت در این دوره بود که از اواخر شهریور شروع شد و هفته‌ها بطول انجامید. اعتصاب کارکنان سازمان تعاون و مصرف شرکت ملی نفت آبادان و اداره حمل و نقل و کارگاه مرکزی پالایشگاه آبادان و کارخانه شبکه‌سازی و اداره تعمیرات از اوایل مهر و اعتصاب کارگران پیمانکاری تنظیمات شرکت ملی نفت آبادان از ۱۱ مهر شروع شد. هفته قبل از آن، روز ۴ مهرماه، نمایندگان کارگران شرکت ملی گاز در منطقه بید بلند بهبهان نیز تقاضای خود را در جلسه‌ای با مدیر شرکت گاز ایران مطرح کردند و او قول رسیدگی به خواست‌های آنان داد. همه شواهد نشان می‌داد که تحرك گسترده‌ای در میان کارگران و کارکنان نفت در مراکز مختلف نفت شروع شده است. روز ۱۰ مهر دولت برای آرام کردن کارکنان نفت، اعلام کرد که به آنها ماهیانه از چندصد تومان تا ۳۶۰ تومان کمک هزینه مسکن پرداخت می‌کند. دولت علیرغم اعلام حکومت نظامی و کشتار هر روزه در خیابانها اما در مقابل طوفان انقلاب در حال عقب نشینی بود. امتیازات سیاسی می‌داد، به مطالبات رفاهی کارگران و کارمندان پاسخ می‌داد و اجازه خانه ساری به زحمتکشان خارج محدوده تهران بجای تخریب خانه‌های آنها را

در دستور گذاشت تا بخش‌هایی از مردم را راضی کند و به خانه بفرستد اما این عقب‌نشینی‌ها به تعرض بیشتر مردم منجر می‌شد. حرکات اولیه کارگران نفت در نیمه اول مهر مقدمه خیزش بزرگ نفتگران بود. محمد مزرعه‌کار می‌گوید: "روز ۲۲ مهر تعداد ۸۰ نفر از کارمندان اداره کالا، پس از این که جواب خواسته‌های صنفی خود را از مقامات نفت دریافت نکردند در بیرون اداره کالا در محل پارکینگ دست به یک تجمع زدند تا توجه همه کارگران را به حرکت خود جلب کنند. با اطلاع گارد حفاظت پالایشگاه نفت از این حرکت، در عرض نیم ساعت به ناگاهن قوای حکومت نظامی به فرماندهی تیمسار اسفندیاری همراه با نیروی دریایی، شهرستانی و ساواک برای درهم‌شکستن و در نطفه خفه کردن اعتصابیون وارد پالایشگاه شدند و تعداد ۸ نفر از رهبران اعتصاب بنامهای رحمان گلک زن، عباس سنگیان، محمد مزرعه‌کار و ... به عنوان محرکان و تهییج کنندگان آغاز اعتصاب در اداره کالا را دستگیر کرده و به زندان فرمانداری حکومت نظامی وقت بردند. ۷۲ نفر از بقیه اعتصابیون را هم با اتوبوسهای شرکت نفت و با اسکورت ساواکیها و نظامیان در حومه شهر آبادان پراکنده کردند. اما این تهاجم کارگران را مرعوب نکرد. برعکس خشم کارگران شعله‌ور شد. تیمسار اسفندیاری برای خاموش کردن اعتصاب ناچار شد نیمه شب تمامی رهبران اعتصاب را آزاد کند." روز ۲۶ مهر چند هزار نفر از کارکنان پالایشگاه و کارگران عملیات غیرصنعتی در آبادان در اعتراض به ورود نیروهای حکومت نظامی به پالایشگاه دست به اعتصاب زدند و همزمان در مقابل اداره مرکزی شرکت نفت اجتماع کردند و قطعنامه‌ای حاوی چهار خواست قرائت کردند:

- ۱- برکناری تیمسار بازنشسته سرتیپ کلیائی رئیس گارد صنعت نفت و تعقیب مسببین حادثه ورود ماموران انتظامی و امنیتی به پالایشگاه و اهانت آنان به کارکنان
- ۲- تضمین و تأکید بر این نکته که دیگر ماموران امنیتی و انتظامی در محیط کار کارکنان دخالت نخواهند کرد
- ۳- ادامه اعتراض تا تأمین خواسته‌های اعلام شده در قطعنامه‌های گذشته
- ۴- چنانچه به

درخواستهای مشروع و منطقی ما رسیدگی و پاسخ مقتضی داده نشود اعتراض بصورت گسترده تری ادامه خواهد یافت. بخش تصفیه نفت پالایشگاه هنوز در اعتصاب نبود و اگر اعتصاب می‌کرد کلیه عملیات تصفیه نفت متوقف می‌شد. اما کارکنان این بخش نیز با همکاری اعتصابی خود اعلام همبستگی کردند. در این بین کارگران و کارکنان صنعت نفت در جزیره خارک، لاوان و منطقه بهرگان، اهواز، گچساران، آغاجری، مسجد سلیمان، مارون و بی بی حکیمه نیز دست به اعتصاب زدند. کارکنان شرکت سهامی خدمات نفت ایران در آبادان و اهواز برخی مناطق دیگر نیز قبل از این اعتصاب را شروع کرده بودند. یکی دیگر از مراکز مهم اعتصاب نفتگران، پالایشگاه نفت تهران بود که کارکنانش فعالیت دور جدید خود را از ۱۷ شهریور شروع کرده بودند. بداله خسروشاهی از رهبران کارگران نفت در تهران می‌گوید: "مجمع عمومی کارگران پالایشگاه نفت تهران در تیرماه برگزار شد. آنها تصمیم گرفتند طی نامه‌ای از مسئولین بخواهند که برای رفع مشکل مسکن کارگران اقدامات فوری انجام دهند. در این نامه برای حل مشکل مسکن یک دو ماه به مسئولین مهلت داده شد و قید گردید که چنانچه به این موضوع رسیدگی نشود، در تاریخ ۱۷ شهریور کارگران فاقد مسکن با خانواده در جلو پالایشگاه جادر خواهند زد. تا این مقطع نفتگران بشکل فردی در تظاهرات و راهپیمایی‌ها و درگیری‌های خیابانی شرکت می‌کردند. بنابر تصمیم قبلی، عصر روز ۱۷ شهریور ۲۰۰ نفر از کارگران و خانواده آنها که جمعا بیش از ۷۰۰ نفر بودند در جلو پالایشگاه اقدام به برپایی چادر نموده و در آنجا اسکان یافتند. شروع حرکت سازمان یافته کارگران با کشتار مردم در سطح کشور بخصوص در میدان ژاله تهران، که زیر نظر مستقیم شاه و مشاوران آمریکایی او به پیش می‌رفت، مصادف شد.

فرمانده حکومت نظامی شهری و افراد دیگری ضمن حضور در محل تجمع کارگران از آنها خواستند که چادرها را جمع کنند. خواسته نظامیان با بی توجهی کارگران روبرو شد. در ۱۸ شهریور ساعت ۱۲ شب فرمانده نظامی شهری همراه با دو تانک و چندین خودرو ارتش در محل حاضر شدند. فرمانده حکومت نظامی ضمن دادن اولتیماتوم از کارگران خواست که در مدت ده دقیقه چادرها را جمع کنند و به نظامیان دستور داد که اسلحه‌های خود را به طرف کارگران و زن و بچه‌های آنها نشانه گرفته و پس از ده دقیقه به جمع شلیک کنند. قبل از پایان فرصت طناب چادرها توسط نظامیان پاره شد. چادرها روی سر آنها فرود آمد و نظامیان شروع به جمع آوری چادرها نمودند. سپس کارگران و خانواده آنها را گروه‌گروه سوار خودروهای ارتشی نمودند و در نقاط مختلف شهر که در حرکت نظامیان نه تنها هیچگونه خللی در روحیه کارگران بوجود نیامد، بلکه باعث تقویت همبستگی و اراده مصمم آنها برای ادامه مبارزه گردید. فردای آن روز تمامی کارگران پالایشگاه در اعتراض به عمل نظامیان جلو پالایشگاه متحصن شدند و اعلام اعتصاب کردند. در این مقطع کارمندان نوبت کاری مشغول کار بودند و پالایشگاه به تولید ادامه می‌داد. کارگران می‌دانستند تا زمانی که کارمندان به جمع اعتصابیون نپیوندند و تولید متوقف نشود، حرکت آنها تأثیر دلخواه را نخواهد گذاشت و ضربه پذیری رژیم را به حداقل خواهد رساند. مسئولین سندیکا دو موضوع را در دستور کار خویش قرار دادند که ... یکی از آنها چاره یابی برای پیوستن کارمندان به اعتصاب بود. برای تحقق این موضوع با تعدادی از کارگران کارمندشده تماس گرفته شد. قرار شد یکروز موقع نهار که کارمندان در رستوران جمع هستند، کارگران ضمن راهپیمایی در پالایشگاه بطرف رستوران بروند و آن تعداد از کارگران کارمندشده با

صفحه ۸



جایگاه اعتصاب عمومی در ...

از صفحه ۷

شعارهایی به استقبال کارگران بیابند. در روز تعیین شده کارگران با شعار "کارگر، کارمند پیوندتان مبارک" ضمن راهپیمایی به رستوران نزدیک شده و کارگران کارمند شده با تکرار شعار در رستوران، به بیرون آمده و با کندن گللهایی از باغچه به استقبال کارگران شتافتند که این عمل باعث شد سایر کارمندان نیز به صف راهپیمایی پیوستند. پس از راهپیمایی با جمع شدن در رستوران و سخنرانیهایی از روز بعد کارمندان به اعتصاب پیوستند و پالایشگاه از تولید باز ایستاد. از آنروز به بعد کارکنان صبح ها با اتوبوس ها به جلو پالایشگاه می آمدند و از آنجا به بهشت زهرا می رفتند. در آنجا پس از شرکت در قبرکنی برای کشته شدگان، ضمن راهپیمایی در بهشت زهرا و دادن شعارها و برگزاری سخنرانیهایی برای شرکت در راهپیمائیهها و پیوستن به صف تظاهرات به شهر می رفتند و همبستگی خود را با حرکت مردم اعلام می کردند.

با پیوستن کارمندان به صف اعتصاب و پس از تبادل نظرهایی "سندیکای مشترک کارکنان صنعت نفت" سازماندهی شد که در اصل همان کمیته کارخانه و یا کمیته اعتصاب بود. بر مبنای یک جمع بندی و برای هماهنگ کردن و پذیرش حرکت از طرف کارکنان در ابتدا با نظرخواهی از آنها خواسته های صنفی آنها جمع آوری شد و طی نامه ای به مسئولین نفت داده شد. پس از پذیرش این خواسته ها از طرف انضاری رئیس هیات مدیره وقت، ضمن هماهنگی با منتخبین کمیته های مخفی اعتصاب در جنوب کشور، ۵ خواسته سیاسی مطرح گردید.

- ۱- لغو حکومت نظامی.
- ۲- انحلال ساواک.
- ۳- آزادی زندانیان سیاسی.
- ۴- متحقق شدن خواست فرهنگیان.
- ۵- محاکمه مسئولین کشتارهای اخیر.

پس از آن ضمن یک راهپیمایی در پالایشگاه و بهشت زهرا با شعار،

بندر بزرگ صادراتی نفت است. خارك محل بزرگ بارگیری كشتی های غول پيكر نفت خام ايران است. می توان از این بندر روزانه بیش از ۶ میلیون بشكه نفت نفت خام صادر كرد. اما خارك در اعتصاب بسر ميبرد. در مورد پالایشگاه آبادان وضع کمی آرامتر است. در این پالایشگاه كه صادرات فرآورده ها را تامین می كند هنوز قسمت هایی دایر است. تولید این پالایشگاه از روزی ۶۰۰ هزار به ۳۴۰ هزار بشكه کاهش یافته است. ارتش كنترول بسیاری از تاسیسات نفتی را بعهده گرفته اما قادر به تولید نیست.

اعتصاب در نفت بسرعت در سطح جهان منعكس شد. خبرگزاری رویتر نوشت كه صادرات نفت ایران كه دومین كشور صادر كننده نفت جهان است، در نتیجه اعتصاب كارگران متوقف شده است. رویتر از قول رادیو دولتی ایران میگوید: "بیم آن میروند كه عملیات رساندن نفت به پالایشگاه های داخلی قطع شود و با چنین اقدامی، كشور كه هم اکنون با يك بحران بزرگ سیاسی دست به گریبان است ممكن است دچار هرج و مرج اقتصادی گردد". رویتر اضافه میكند كه میدان های نفتی جنوب غربی ایران از تولید نفت بازایستاده و بزرگترین پالایشگاه نفت جهان در آبادان بحالت توقف درآمده و بارگیری نفتكش ها در جزیره خارك متوقف شده است. آسوشیتدپرس نیز به نقل از رادیو دولتی ایران میگوید: "بیش از ۳۷ هزار كارگر نفت با اقدام به اعتصاب، صادرات پنج میلیون بشكه نفت روزانه ایران به خارج را متوقف كردند. ابتدا اعتصاب های متناوب كارگران در آبادان باعث كند شدن صادرات نفت شد ولی هنگامی كه كارگران ترمینال های جزیره خارك، بندر شاهپور و بندر ماهشهر روز ۹ آبان دست از كار كشیدند تمام شیرهای جریان نفت به خارج بسته شد. فروش نفت به میزان سالیانه ۲۲ میلیارد دلار بزرگترین تكيه گاه اقتصاد ملی ایران است. كارگران اعتصابی خواهان افزایش حقوق و برچیدن حكومت نظامی و محاكمه ارتشبد نصیری رئیس سابق ساواك هستند".

روز ۱۱ آبان كاركنان اعتصابی در آبادان، تصمیم گرفتند شب را در

جلوی اداره مرکزی به صبح برسانند. طبق گزارشاتی دو تانك زرهپوش و يك جيب مسلح به مسلسل در جلوی اداره موضع گرفت و چون اعتصابيون حاضر به ترك محل نشدند ماموران به طرف آنها شليك كردند و تعدادی را مجروح كردند. این عمل خشم كاركنان نفت و گسترش اعتصاب را به دنبال داشت. روز ۱۲ آبان كاركنان اعتصابی اعلام كردند تا زمانی كه به خواست هایمان رسیدگی نشود از ادامه اعتصاب منصرف نخواهیم شد. تعداد دیگری از كاركنان نیز به اعتصاب پیوستند. كاركنان اعتصابی پتروشیمی شاهپور و كارخانه گاز مایع و پتروشیمی آبادان نیز در كنار كارگران بودند. ۷۵ درصد واحدهای پالایشگاه در اعتصاب بود و در خارك نیز بیش از ۴۰ كشتی نفتكش بعلت اعتصاب در اطراف جزیره لنگر انداخته بودند. فرمانداری نظامی آبادان به اعتصابيون اخطار كرد كه چنانچه در مهلت تعیین شده به سر كار بازنگردند بر اساس قوانین جاری درمورد آنها تصمیم گرفته خواهد شد. اما این يك تهدید توخالی بود. دیگر نه ساواك نه ارتش و نه هیچ مقامی جرات و توان محاكمه كارگران و حتی اخراج آنها را نداشت.

روز ۱۲ آبان ماموران فرمانداری نظامی كاركنان اعتصابی را به اداره مرکزی شركت نفت راه ندادند و اعتصابيون به ناچار در بیمارستان شركت نفت اجتماع كردند. آنها قصد پراكنده كردن كاركنان اعتصابی را داشتند كه با اعتراض تند پزشكان و پرستاران روبرو شدند. كاركنان نیروگاه اتمی دارخوین و نمایندگان دیگر گروههای اعتصابی نیز به جمع كاركنان اعتصابی نفت پیوسته بودند.

صبح روز ۱۳ آبان سه دستگاه جيب ارتش مجهز به مسلسل مقابل در ورودی اداره مرکزی شركت نفت در آبادان مستقر شد و سرگردی به كاركنان اخطار كرد كه به سر كار خود بازگردند. كارگران و كاركنان اعتصابی وقعی به این تهدیدات نگذاشتند. شب ۱۳ آبان، مزدوران حكومت به تجمع اعتراضی كارگران و كارمندان پالایشگاه و پتروشیمی آبادان حمله بردند و ۱۱ نفر از اعتصابيون به اسامی موسوی، علوی، اقتدار، کامیاب، مزارعی،

صادقیان، شبانکاره، شکراله جور، دیانی و عبدالحمد ظهیری نژاد را مجروح کردند. بنا به گزارشاتی فردای آن روز مختار معاصر، یکی از کارگران اعتصابی، پیراهن خونین یکی از کارکنان زخمی شده را در اجتماع کارکنان اعتصابی بالا برد و ضمن حمایت از پلاتفرم معاصر اعلام کرد حکومت نظامی در سراسر ایران باید لغو شود و زندانیان سیاسی باید آزاد شوند. خواست ها دیگر مستقیماً سیاسی بود و اعتصابات به مرحله دیگری پا گذاشته بود.

در آبان ماه اهواز به مرکز پر قدرت اعتصاب نفت تبدیل شد. روز ۸ آبان هزاران نفر از کارگران صنایع نفت این شهر دست از کار کشیدند. بدنبال اعتصاب کارمندان شرکت سهامی خاص خدمات اهواز كه از دو روز پیش به منظور پشتیبانی از خواست های فرهنگیان و دانشجویان آغاز شده بود، کارمندان شرکت ملی نفت اهواز نیز به این گروه پیوستند. بویژه در اواخر آبان کارگران و کارکنان اعتصابی هر روز تجمع می کردند، اخبار سایر اعتصابات را به گوش دیگران می رساندند و در مورد ادامه مبارزات خود بحث می کردند. کارمندان صنعت نفت گچساران، آبادان، مسجد سلیمان، آغاجری و دیگر نقاط نفت خیز خوزستان نیز در این مقطع در اعتصاب به سر می بردند.

در پالایشگاه شیراز و تبریز نیز اعتصاب در جریان بود و در پالایشگاه تهران از روز ۱۳ آبان با گذشت پانزده روز از التیماتوم کارگران و عدم رسیدگی به خواست های آنان، اعتصاب از سر گرفته شد. ۴۰۰ کارگر این پالایشگاه دست به اعتصاب زده و از بارگیری مواد نفتی خودداری کردند. ارتش بارگیری نفت و بنزین را از ۴ و نیم صبح ۱۴ آبان به عهده گرفت.

با اعتصاب نفت موج وسیعی از همراهی و همبستگی با کارگران در سراسر کشور پدیدار شده بود. خواست های سیاسی کارگران نفت بسرعت همه گیر شد و در برخی اعتصابات و قطعنامه های آن همبستگی با اعتصاب کارگران نفت مطرح میشد. و این ناشی از وزنه سنگین کارگران نفت در جامعه و در تحولات انقلابی

بورژوازی غرب و اپوزیسیون راست

گفتگو با سیامک بهاری در مورد نشست مرکز اولوف پالمه در سوئد



سیامک بهاری

انترناسیونال: سیامک بهاری مرکز اولوف پالمه از شماری از چهره های اپوزیسیون جمهوری اسلامی دعوت کرده بود که در نشستی تحت عنوان اتحاد برای دموکراسی شرکت کنند و به بحث تبادل نظر بپردازند. این سمینار به موضوع بحثها و مخالفت‌های بسیاری تبدیل شد. مساله چیست اگر ممکن است اول کمی در مورد این سمینار یا نشست توضیح دهید:

سیامک بهاری: همینطور است که شما می‌گویید، این سمینار به یک جنجال واقعی بدل شد. قبل از هر چیز باید این را تاکید کنم که این نشست واقعا يك سمینار نبود، از ابتدای علنی شدن تا اجرای آن موش و گربه دوانی و مخفی کاری و پیچ و پیچ‌ها و توجیهات بشدت متناقضی صورت گرفت. يك نکته را تاکید کنم که علیرغم نیت برخی شرکت کنندگان، کل این پروژه از مدتها قبل توسط چند چهره مشخص مانند نوری زاده، محسن سازگارا، شهريار آهی، حسن شریعتمداری و چند تن دیگر شروع شد، تلاش برای گردآوری نیروهای هم جهت برای به خط کردن و توجیه متقابل با هدف معرفی يك آلت‌ناتیو سیاسی تحت عنوان حاکمیت صندوق رای. گفته شده است که حتی موضوعاتی از قبیل معرفی يك چهره شاخص بعنوان رئیس جمهور آینده نیز مطرح شده بود، از جمله حسن شریعتمداری و شیرین عبادی دو فردی بودند که در باره معرفی آنها صحبتها و اشاراتی هم شده بود.

برای روشن شدن موضوع باید قدری تاریخ این گردهم آیی های

مهندسی شده را هم نگاه کنیم. شبیه اجلاس استکهلم، چندی قبل در لندن انجام شد. مؤسسه سلطنتی مطالعات بین‌المللی بریتانیا "چاتم هاوس" Chatham House که خود را يك سازمان غیر دولتی می‌خواند، عهده دار این نشست کاملاً محرمانه بود. تلویزیون العربیه موضوع نشست چاتم هاوس را فاش کرد و ماجرا علنی شد. از آن به بعد ضرب پنهان کاری این نشست‌ها کاهش یافت. برکسی پوشیده نیست که چاتم هاوس اتاق فکر سیاست خارجی بریتانیا است. این مؤسسه سرپرست تدوین تصمیمات کلان دیپلماسی بریتانیا در سطح بین‌المللی است و معمولاً مهره های درجه اول و تعیین کننده دولتی اروپا و امریکا و عوامل و عناصر سازمانهای امنیتی مشهور جهان در سمینارهای این مؤسسه شرکت میکنند. یادآور شوم که این همان مؤسسه ای است که سال ۱۳۸۵ به خاتمی دکترای افتخاری حقوق اعطا کرد. در ادامه، نشست پاریس، برلین و هامبورگ انجام گرفت. نیروی اصلی این گرد هم آیی ها طیف مشخصی از اپوزیسیون جمهوری اسلامی هستند که بارها تحت عنوان "حاکمیت ملی"، "شورای ملی"، "کنگره ملی"، "حاکمیت صندوق رای" و غیره اجلاسهای شبیه این را سازمان داده اند. که بعداً مفصل تر راجع به آنها خواهم گفت.

کنفرانس اتحاد برای دموکراسی هم از ابتدا نامش این نبود، کارگاه آموزش برای انتخابات آزاد و چیزی شبیه این نامگذاری شده بود. بعدتر نام کنفرانس را تغییر دادند و تحت عنوان "اتحاد برای دموکراسی" برگزار کردند. بنا به لیست منتشر شده، ۶۵ نفر به کنفرانس استکهلم دعوت شده بودند، اسامی آنها در بسیاری از وب سایتها منتشر شده است. یکی دو نفر و مشخصاً پروین اردلان از ابتدای دعوت، انصراف داد و به دلیل عدم شفافیت خودش را از معرکه بیرون کشید. در عین حال همچنان اسامی محرمانه دیگری نیز باقی است و کسی خارج از دایره خودشان، از چند و چون آن اطلاع موثقی ندارد.

نحوه برگزاری کنفرانس هم شنیدنی است. مؤسسه اولوف پالمه

میگوید که تعدادی از اعضای اپوزیسیون ایرانی، از جمله محسن سازگارا، شهريار آهی، فریدون احمدی، حسن شریعتمداری و مهدی براتی به ما نامه نوشتند و مراجعه کردند و خواستند که برایشان کنفرانس بگذاریم. اما همین افراد نامبرده در کنفرانسی در تاریخ ۲۸ ژانویه در هامبورگ خلاف آنرا ذکر میکنند اعلام میکنند که مؤسسه اولوف پالمه از آنها خواسته است که به منظور ایجاد همفکری و همدلی و همراهی در چنین کنفرانسی شرکت کنند. آقای رضا طالبی که پیشتر از مبتکرین و مسئولان کنگره ملی ایرانیان بود و از اعضای با نفوذ حزب سوسیال دمکرات سوئد و سرپرست برگزاری نشست استکهلم مرکز بین‌المللی اولوف پالمه را هم بعهدہ داشت در پاسخ به خبرنگار رادیو سراسری پژواک میگوید که این مرکز ابتکاری در تعیین افراد نداشته و چهره هایی از اپوزیسیون می‌خواسته اند که نشست داشته باشند و ما کمکشان کردیم.

متوجه تناقض ها می شوید. حتی نفس اینکه چه کسی برگزار کننده است و اشخاص را انتخاب و دعوت میکند نه تنها شفاف نیست که در هاله ای از ابهام و رمز و رموز پوشیده است. حتی اکنون پس از برگزاری کنفرانس هم پاسخی برای این سوالات موجود نیست. مهدی براتی که از او بعنوان یکی از متقاضیان برگزاری کنفرانس توسط مرکز بین‌المللی اولوف پالمه نام برده شده جداگانه نامه اعتراضی سرگشاده منتشر میکند و میگوید از چنین درخواستی بی اطلاع بوده است و هیچ گاه هم نامه ننوشته است. او در اعتراض به این دروغگویی مؤسسه اولوف پالمه در جلسه استکهلم هم شرکت نمی‌کند.

مسئولیت اصلی کنفرانس را کارگاه آموزشی "آی‌ده" بعهدہ می‌گیرد. و قرار بر این میشود که دعوت شدگان در يك کارگاه آموزشی درسته و اختصاصی بنام "کارگاه هدی صابر" برای برگزاری انتخابات آزاد آموزش ببینند. مؤسسه "آی‌ده" يك نهاد نیمه دولتی با حدود ۱۲۰ کارمند است که با بودجه دولتی اداره میشود. اتاق فکری شبیه چاتم

هاوس، در ابجادی محدودتر. خوب تا اینجا کاملاً مشخص است که نهادهای به ظاهر غیر دولتی و نیمه دولتی که اساساً و ظیفه شان مهندسی افکار سیاسی است، در چهار گوشه جهان دست به دست هم داده اند که نیروی سیاسی لازم برای متحد کردن اپوزیسیون که بتواند اهداف استراتژیک غرب را در مناقشات جاری با جمهوری اسلامی متحقق کند را گرد بیاورند و سازماندهی کنند. بعد از این کنفرانس، نشست دیگری در ماه آوریل توسط سازمان جمهوری خواهان که در واقع نام دیگر سازمان اکثریت است، با طیفی از همین دست، در واشنگتن برگزار خواهد شد. این رشته همچنان ادامه دارد.

انترناسیونال: بطور مشخص نهادی بنام مرکز اولوف پالمه که خود را يك نهاد غیر دولتی و فرهنگی میدانند چه هدفی از این نوع سمینارها میتواند داشته باشد یعنی اینها با جمع کردن این جماعت دست راستی رنگارنگ به چه چیزی می‌خواهند برسند؟ آیا می‌خواهند آلت‌ناتیو برای آینده ایران بسازند؟ و فکر میکنید چرا این سمینار مخفیانه برگزار شد آیا این بدلیل امنیتی بود یا دلایل دیگری داشت؟

سیامک بهاری: من عمیقاً معتقدم که غرب از هم اکنون صدای انقلاب مردم ایران را شنیده است. خطر

جایگاه اعتصاب عمومی در ...

بود. شعار "کارگر نفت ما رهبر سرسخت ما" در خوزستان، تهران و برخی دیگر از شهرها بر سر زبان‌ها افتاد. این شعاری در مقابل اسلاميون بود. اعتصاب نفت به قطب چپ جامعه در مقابل اسلاميون موقعیت ویژه ای میداد. چپ جامعه علیرغم گستردگی آن و تحرک وسیع آن اما همانطور که گفته شد سر نداشت، پلاتفرم و برنامه روشنی نداشت و در سطح جامعه توسط يك حزب سیاسی نمایندگی نمیشد. در غیاب چنین رهبری، همینکه کارگران نفت به میدان آمدند، چپ جامعه بسرعت به تقویت آن پرداخت. شعار کارگر نفت ما رهبر سرسخت ما محصول این نیاز بود و با استقبال

انقلاب را نزدیک دیده است. اگر انقلاب در بگیرد برای غرب دشواری سنگینی پیش خواهد آورد، هم دستگاہ سرکوب خشن و بیرحم جمهوری اسلامی را از دست داده است، هم هژمونی و موقعیت استرژیک خود را. غرب به آینده جمهوری اسلامی و بهبود روابط آن با خودش امید ندارد. هر روز هم دامنه مناقشات بالاتر میرود. بنابراین منافع استراتژیک غرب حکم می‌کند تا دیر نشده و فرصتی هست، نیروهای سیاسی هم جهت با خود را بیابد، زیر نور افکن دستگاہ افکار عمومی سازش قرار دهد تا قبل از هر چیزی با اتکا به آن بتواند مردم را به خانه بفرستد، تا انفجار انقلاب صورت نگیرد. همه خواستها و مطالبات رادیکال و آزادیخواهانه مردم را با شعبده بازی حاکمیت صندوق رای و چیزی شبیه آن، آنهم در حاکمیت جمهوری اسلامی فیصله دهد. دست به دست شدن قدرت يك بخش جدی از مشغله غرب در منطقه است. نمی‌تواند دست روی دست بگذارد. فعلاً نیرویی که نیم

بند، جمع آوری کرده همین است! محرمانه و مخفیانه برگزار شدن این کنفرانس هم دقیقاً موضوعیتش از همین جاست. تصمیم پشت درهای بسته برای خاموش کردن قیام مردم. این اساس محرمانه بودن برگزاری چنین کنفرانسهایی است. و گرنه ما

صفحه ۱۰

از صفحه ۸

بخشی از کارگران و کارمندان اعتصابی و نیروهای کمونیست و آزادیخواه مواجه شد. روشن است که هنوز جای يك حزب سیاسی که قطب وسیع چپ جامعه را متشکل کند و انقلاب را هدایت کند بشدت خالی بود و خود ننگران بیش از هر کس به چنین حزبی نیاز داشتند. در این مقطع کارگران به سرعت آگاهی سیاسی شان بالا میرفت، روحیه مبارزه جوئی بالاتری می‌یافتند، اولین پایه های تشکیل خود را می‌گذاشتند و به اعتراض سیاسی سازمان یافته دست میزدند. نسلی از رهبران پا به میدان می‌گذاشتند و به سرعت در کوران انقلاب آیدیده میشدند. ادامه دارد ...

اساس سوسیالیسم انسان است!

بورژوازی غرب و ...

باید به موش و گربه بازی مرکز اولاف پالمه تن بدیمیم که میگوید: این تقاضای برخی از نیروهای اپوزیسیون بود که می خواستند به دلایل امنیتی محل و تاریخ برگزاری کنفرانس محرمانه باشد، مخصوصاً اپوزیسیون کرد! در حالیکه تمام تلاش همگی شان اینست که خود سیاست و اساس کار مخفی بماند، حتی برگزاری این جلسات باید محرمانه باشد. مردم نامحرمند از چاتم هاوس تا اولاف پالمه سنتر همه بر یک قاعده کار میکنند. بنا براین طبیعی است که طیفی دست چین شود که حتی یک مویرگ انقلابی گری در اندام سیاسی اش نباشد. طیفی از ملی مذهبی ها، دفتر تحکیم و حدت ها، سازمان اکثریت، حزب توده و طیفهای هم خط و جریانات قومپرست و کلا پرو غرب به اضافه شورای هماهنگی جنبش سبز امید یعنی طیف کروی و موسوی. این نیروی مورد توجه غرب است. اینها را باید کنار هم قرار دهد، آموزش دهد و متحد کند. مواضع بر سر راه هم جیتی آنها را رفع کند. همه آنها باید متحد شوند و به نام حاکمیت صندوق رای و چیزی شبیه به این، آلترناتیو بی خاصیت جمهوری اسلامی شوند. این اتحاد باید آتش انقلاب را خاموش کند. انقلاب خشونت است نکند، نکند، نکند، تئوری شناخته شده همین طیف است!

نهاد به اصطلاح فرهنگی اولاف پالمه طی چند ماه گذشته چند نمونه از همین "کارگاههای آموزشی" را برای آموزش شورای موقت ملی سوریه و نیز اپوزیسیون برمه تشکیل داده است. تا به مورد ایران برمیگردد این سومین کارگاه آموزشی آنهاست، هر سه بار هم پشت درهای بسته کارشان را کرده اند. اینها ماموریتهایی است که بعهدده این نهادها به ظاهر غیر دولتی و فرهنگی می گذارند. جای پای هیچ کشوری هم دیده نمیشود، نهادی "فرهنگی و آموزشی" عهده دار کار خیری شده است. شتر سواری دولا دولا همین است. مردم را ساده و نادان فرض کرده اند. باید مخفیانه

از صفحه ۹

جلسه بگیرند، مخفیانه تصمیم بگیرند، و گرنه چنان خشم مردم جاوریشان میکند که فرصت بعدی برایشان باقی نماند. این اجلاس مخفی ماند، کسی برنامه های آموزشی آنها را ندید، ما نمیدانیم راجع چه چیز حرف زدند و آموزش دیدند، اما میدانیم که راجع به چه چیزهایی حتی یک کلام از دهانشان نپرسیده است. مطمئن باشید کسی در این تجمع علیه فقر و فلاکتی که جمهوری اسلامی به مردم تحمیل کرده چیزی نگفته است، کسی از توقف ماشین آدمکشی جمهوری اسلامی و لغو اعدام و زن آزاری سیستماتیک در جمهوری اسلامی لام تا کام چیزی نگفته است، کسی علیه سنگسار چیزی نگفته است. کسی از آزادی زندانیان سیاسی و برچیدن زندانهای سیاسی نگفته است. کسی حرف کارگر و حقوق سیاسی و اجتماعیش را نزده است. از دستمزد زیر خط فقرش که چندین ماه پرداخت نشده است، سخنی نگفته است. کسی از سرکوب جوانان و کهریزکی کردنشان نگفته است.

انترناسیونال: افرادی که به این سمینار دعوت شده بودند از طیفهای مختلفی بودند از طرفداران سلطنت تا ناسیونالیست و قوم پرست و تا کسانی که در واقع بخشی از حکومت اسلامی بوده اند و هنوز هم به طور تلویحی از حفظ نظام اسلامی دفاع میکنند بهر حال چه چیز مشترکی بین اینها وجود دارد و فکر میکنید تا چه حد زمینه برای نزدیکی یا اتحاد اینها وجود دارد؟

سیامک بهاری: اینکه می گویند چاقو دسته خودش را نمی برد واقعا در باره این جریانات صدق میکنند. کسی در این جمع نیست که بگوید جمهوری اسلامی باید برود. همه اینها در یک چیز مشترکند، همه شان ضد انقلابند. ضد حاکمیت مردمند، ضد قدرت گیری مردمند. دشمنی با انقلاب اینها را در یک مسیر قرار داده است. هر درجه که تکانهای سیاسی انقلاب محسوس تر بشود، این گروهها بیشتر به هم پناهنده

میرند. هر چقدر جمهوری اسلامی بیشتر ترک بردارد و فروپاشی اش علنی تر شود، هم سرنوشت تر می شوند. اتحاد نیروهای ارتجاعی اپوزیسیون، علیه انقلاب مردم نام واقعی وحدت این نیروهاست. غرب در این میان کارش رفع موانع اتحاد این نیروهای ارتجاعی و تقویت توان و بنیه ضد انقلابی آنهاست. دست چین کردن این پتانسیل و جمع کردن آن بدون تردید ساختن آینده سیاسی دیگری برای مردمی است که میخواهند با انقلابشان به خوشبختی برسند. و اینبار باید در دام دیگری تحت عنوان "حاکمیت صندوق رای" خلع صلاح شوند. این کنفرانسها و این جمع ارتجاعی کارش و وظیفه اش خلع صلاح انقلاب مردم است. به خانه فرستادن مردم و ناامید کردنشان است.

اما ببینید با همه تمهیدات و تلاشها و هزینه ها کنفرانس اتحاد برای دمکراسی علیرغم ادعای برگزار کنندگانش شکست خورد. یک راه پیروزی این جریانات ارتجاعی مخفی بودنشان است، پنهان کردن تناقضاتشان است. بی خاصیتی شان است. همه اینها به مدد جو انقلابی موجود بر ملا شد. کسانی که انقلاب جاری مردم ایران را باور ندارند متوجه خواهند شد که دهها و صدها کنفرانس دیگر از این دست، در ناپاوری عمیق مردم از آنان به شکست خواهد انجامید.

همه این اتحادها در مقابل مردمی که برای منزلت و معیشت خود چاره ای بجز انقلاب ندارند پوچ و بی معناست. هر تصمیمی بگیرند و هر رنگی بخود بزنند، مطالبات فوری مردم آنها را در خیابان و کارخانه و دانشگاه به مصاف میطلبد. اینها چگونه پیروز میشوند و متحد میشوند در حالیکه مسیر مبارزه مردم و قیام و انقلاب مردم دقیقا مخالف جهت آنهاست؟ این سنگریندی غرب در مقابل انقلاب مردم است. اسمش را هر چه می خواهند بگذارند. این پروژه ها محکوم به شکست است. تلاشی عبث دردقیقه نود است. اینها چه فردی و چه سازمانی امتحانشان را در بیش از سه دهه سیاه نکبت حکومت اسلامی داده اند. پرونده جمعی و فردی اینها بیش از آنکه در

پیام به کنگره ۸ حزب

کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران در راه است. این رخداد نه تنها برای اعضا و فعالین این حزب و نه تنها برای کمونیستهای کارگری در ایران، بلکه برای تمامی جامعه و طبقه کارگر و تمامی انسانهایی که رسیدن به آزادی و رفاه و برابری را در سر میپروراند و تنها راه تحقق این امر را در سرنگونی جمهوری اسلامی میدانند، حائز اهمیت است. برگزاری این کنگره نه تنها از این جهت مهم است که امر سرنگونی حکومت در ایران و سازماندهی انقلاب به نیروی آماده و مصمم حزب کمونیست کارگری نیاز دارد بلکه از این جهت نیز که جامعه بعد از تجربه انقلاب در سال ۸۸ تشنگی بیشتری نسبت به مقوله حزبیت و رهبری احساس میکند و جنبش انقلابی در ایران بیشتر از هر زمان دیگر حزب کمونیست کارگری را میطلبد.

در شرایطی این کنگره برگزار میشود که از یک سو بورژوازی در دنیا در یک بحران بیسابقه درگیر است و از سوی دیگر به لحاظ سیاسی هیچگونه راه برون رفتی را در پیش رو ندارد و همین منجر به پا به میدان گذاشتن جنبشهایی در اعتراض به سرمایه داری شدند که جنبش تسخیر وال استریت نمونه بارز سلب کلیت سرمایه داری توسط اکثریت نود و نه درصد آنها شده است. جمهوری اسلامی به لحاظ اقتصادی در حال فروپاشی است و به لحاظ سیاسی هم انسجام خود را کاملاً از دست داده و جناح حاکم حتی کسانی را که تا دیروز نزدیکترین و خودی ترین نیروها بودند را کنار زده است و با جامعه ای روبروست که از هر فرصتی برای بزیر کشیدن حکومت از قدرت

استفاده میکند. حکومت اسلامی به روزگاری افتاده که از برگزاری انتخابات مجلس خود نیز که همیشه سعی داشته با استفاده از آن خود را مشروع جلوه دهد واهمه دارد. با توجه به این مسائل شرایط سیاسی در جامعه ایران بسیار ملتهب تر از هر زمان دیگر است و شکاف درون حکومت و فشار انقلابی مردم سرنگونی حکومت را محتملترین واقعه سیاسی در آینده ای نزدیک قرار داده است.

این شرایط مشخصاً انتظارات را از حزب بسیار بالا میربد و وظایف سنگین تری را برای حزب بوجود میآورد. کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران بایستی کنگره ای باشد که تمام این خواست و انتظار جامعه را نسبت به خود پاسخگو باشد. حزب بیرون آمده از این کنگره باید بیشتر از پیش و با توان و سیاست، نقطه مرکز و توجه جامعه و جنبشها قرار گیرد و مردم را در ابعاد وسیع به خود جلب کند. مسلماً حزب کمونیست کارگری افق سوسیالیسم و برقراری یک جامعه انسانی را بسیار نزدیک کرده است. من به همه شما رفقا، اعضا و رهبران حزب کمونیست کارگری درود میفرستم و دستان شما را به گرمی میفشارم و آرزوی موفقیت را برای حزب در کنگره هشت دارم. این کنگره تمام نقشه عمل را برای تامین رهبری در جنبش انقلابی مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی ارائه خواهد داد و با چشم انداز حزبیت یافتگی جامعه، این انقلاب انسانی را به سرانجام میرساند.

با آرزوی موفقیت
آزاد آزاد نیا از کردستان

این اتحادی زیر دیوار شکست خورده جمهوری است. عاقبتش معلوم است*

حکومت آینده ایران گشوده شود در محضر دادگاهی مردمی و در صحن بین المللی به جرم همکاری فعال با جمهوری اسلامی گشوده خواهد شد.

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

کمک مالی آذر ماه حوزه انترناسیونال ۱۳۹۰
ششصد هزار تومان

زنده باد سوسیالیسم!



پیامهای رسیده به کنگره ۸ حزب کمونیست کارگری ایران

در آستانه برگزاری کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری از جانب برخی دوستان پیامهایی به کنگره ارسال شده است. ضمن سپاس از این رفقا بخش دیگری از این پیامها را در این شماره انترناسیونال منعکس میکنیم

با سلام به شرکت کنندگان در کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران!

فرا رسیدن کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران را تبریک می گویم و شرایط انقلابی ایران و جهان را زمینه مساعدی می بینیم تا تصمیمات منطبق بر واقعیت در شرایط حال ایران در کنگره هشتم (کنگره کمونیستی، انقلابی و پیشرو ایران) گرفته شود. کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران: کنگره ی اعتراض بر علیه نظام سرمایه داری (چه در ایران و چه در جهان) این ریشه تمامی اختلافات طبقاتی، کنگره اعتراض بر علیه نابرابری های اقتصادی و اجتماعی اقوام و مردم، کنگره اعتراض بر علیه استثمار و بی حقوقی کارگران و زحمتکش، کنگره اعتراض بر علیه ستم، نابرابری و بردگی جنسی زنان، کنگره اعتراض بر علیه اعدام این قتل عام دولتی در جامعه برای رعب و وحشت و از بین بردن انقلابیون و دشمنان سرمایه داری، کنگره اعتراض بر علیه بی حقوقی کودکان این انسان هایی که باید آزاد رشد کرده و آزاد زندگی کنند، کنگره اعتراض بر علیه مذهب (که هدفی جز در اسارت نگاه داشتن انسان ها ندارد) و جهل و خرافه و آخوند، ... باشد.

"مانیفست انقلاب ایران" که در انقلاب هشتاد و هشت اعلام گردید شاهی بر واقعی بودن تصمیمات کنگره است. "انقلاب هشتاد و هشت فوران خشم فرو خورده مردم علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی"، "انقلاب خلاصی از نظامی فاسد و درهم شکستن ماشین کشتار و چپاول و جهل و دروغ"، "انقلابی که تا بزرگ کشیدن کل حکومت اسلامی و درهم کوبیدن سرپای نظام ضد انسانی حاکم از پای نخواهد نشست"، "انقلاب هشتاد و هشت از دل مردم جهان سخن میگوید". در ایران شرایط به حد انفجار رسیده و در صورت جرقه ای تمامی مشروعیت نداشته رژیم از بین خواهد رفت و به

انقلاب ضد حکومت مذهبی و اسلامی خواهد رسید. باید به نظام طبقاتی پایان داد و این با نابودی سرمایه داری و یرافراشتن پرچم سوسیالیسم میسر است.

پیروزی و اعلام حکومت اکثریت جامعه، کارگران و زحمتکش و مردم به تنگ آمده ایران تنها از عزم و جزم همه ما بدست می آید پس به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندیم و صفی پولادین در برابر ارتجاع و حکومت سراپا خونین جمهوری اسلامی بوجود بیاوریم! یورش و انقلاب بر علیه حاکمیت جنایتکاران نزدیک است آماده باشیم! به تمامی اعضا و هواداران حزب کمونیست کارگری ایران فرا رسیدن کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران را تبریک می گویم.

اتحاد، مبارزه، پیروزی!

کریم مهر پور

پیام به کنگره هشت حزب کمونیست کارگری ایران

با سلامهای گرم و رفیقانه ما خوشحالیم از اینکه کنگره هشتم حزب در این شرایط خطیر برگزار می شود و با این کنگره حزب می خواهد خود را برای به عهده گرفتن رهبری انقلاب و رویارویی با جریانات راست و ضد انقلاب آماده تر نماید. هر چند ما خود حضور نداریم اما تردید نداریم موضوعاتی که مطرح می شوند، بحثها و موضوعات ما هم هستند. ما افتخار می کنیم که در طرح بخشهایی از مباحثی که در کنگره هشتم مطرح خواهند شد نقش داشته و سهم بوده ایم. این ویژگی و نقطه قوت حزب ما و کنگره حزب ماست که امکان ایفای نقش و دخالتگری همه اعضا در سرنوشتش را فراهم می کند. ما واقعا احساس می کنیم که نمایندگان کنگره و حاضر در کنگره هستیم. آسوده خاطریم که کنگره با موفقیت و پربار برگزار خواهد شد. حزب ما بر پایه سنتهای

مدرن و انسانی و رعایت حقوق مساوی اعضایش رشد کرده و با سرایت دادن همین سنتها به درون جامعه امروز پرچمدار انسانیت و مدافع بی چون و چرای حقوق جهانشمول انسان گشته است. حزبی که مبارزه علیه اعدام، مبارزه برای رهایی زن، مبارزه برای رفع ستم ملی و هر گونه نابرابری را امر طبقه کارگر می داند و از زاویه منافع این طبقه برای پایان دادن به همه ناهنجاریها و ستمهای اجتماعی به جنگ سرمایه داری به طور کل و جمهوری اسلامی به طور اخص می رود. این حزب در طول عمر پر افتخار خود ثابت کرده است که حزب طبقه کارگر و حزب رهبری انقلاب مردم تا برپائی جمهوری سوسیالیستی و بنای جامعه ای انسانی، آزاد و برابر است. اما شکل گیری این شاخصها

خودبخودی و در جریان یک سیر طبیعی میسر نگشته اند، همچنانکه حزب بلشویک اینگونه نبود. گرچه هر یک از بلشویکها انقلابی بودند و در رهبری انقلاب اکثیر نقش ایفا کردند، اما بدون رهبری لنین که حزبشان را در مقاطع حساس و خطیر هدایت نمود، حزب بلشویک شاید حزب انقلاب اکثیر نمی شد. این حقیقت در مورد حزب ما نیز صادق است. در حزب ما هم کمونیستها و رهبران شایسته کم نیستند که حزب را تا به اینجا رسانده اند، اما نقش حمید تقوایی در کنار منصور حکمت و بعد از او در شکل گیری شاخصهای برجسته ای که امروز حزب با آنها شناخته می شوند، برجسته تر و پر رنگ تر است. به این نقشها و این شخصیتها همچنان باید توجه داشت و اهمیت داد. این رهبران هر یک از رهبران در دوره خود علاوه بر نقش برجسته ای که در ارائه تحلیلهای شناختی درستی که از اوضاع جاری یا تیزبینی های منحصر داده اند، تأثیر عمیقی در تحزب و انسجام تشکیلاتی کمونیستی و انقلابی داشته و دارند. نمونه زنده این انسجام و تحزب کمونیستی، وجود حزب کمونیست کارگری است که با افتخار

تا امروز توانسته است شیوه های مدرن و اجتماعی مبارزه را جایگزین سنتهای عقب مانده و حاشیه ای نماید و حتی فرهنگ و ادبیات و نگاه های انسانها به یکدیگر در روابط خصوصی و اجتماعی شان را دگرگون کند.

زنده باد سوسیالیسم
زنده باد انقلاب انسانی
زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران
جمعهای حزبی سرخ

پیام به کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران

شورش گرسنگان در جریان است، ۹۹ درصدیهای سراسر جهان بانگ بر می آورند انترناسیونال طریق بشری است و سوسیالیسم تنها راه نجات. سرمایه داری دیگر جوابی نخواهد داشت و دمکراسی اش در جریان بحران مهلك، علم سرکوب بر آستان پارلمانها را برافراشته. گرسنگان بر وال استریت انگاره حاکمیت خود را به عمل در می آورند و شیوه اداره جمعی امور را به نمایش می گذارند. ۹۹ درصدیها بانگ بر می آورند "دمکراسی نه، آزادی" شعار توده هاست. دمکراسی و حاکمیت یک درصدیها بر ۹۹ درصدیها باید جای خود را به آزادی و حاکمیت انسانها بر سرنوشت خود دهد.

اما این شورش اکثریت علیه اقلیت مفتخور دهه هاست که در ایران در جریان است و امروز بعد از ۳۳ سال سرنوشتی رژیم را بدون هیچ

تخفیفی فریاد می زند. انقلاب ۸۸ مجری آرزوی دیرینه میلیونها انسان انقلابی شد، اما رژیم با معجزه کشتار موقتا جان بدر برد. ولی اینبار حتی کشتار معجزه نخواهد کرد. این حقیقت را اوباما و سارکوزی و مرکل و غیره نیز درک کرده اند، که دیگر امید به جمهوری اسلامی نیست. مستأصل و نومید سازگارا و گنجی و کهنه پاسداران آدمکش را روتوش کرده و در استودیوهای "بی، بی، سی" و "وی، او، ای" جلو دوربین می نشانند، تا آلترناتیو انقلاب مردم کنند. اما آمال و آرزوهای میلیونها انسان متمدن و آزادیخواه و خواهان زندگی انسانی با هیچیک از آلترناتیوهای دست ساز و مافوق مردم نمایندگی نمی شود و انقلاب ۸۸ بر این واقعیت مهر مطلق کوبید. این خواستهای انسانی فقط با آلترناتیو حزب ما برای سرنوشتی رژیم و رسیدن به حکومت انسانی و سوسیالیسم متحقق خواهد شد. حزب کمونیست کارگری ایران در رأس جنبش کمونیسم کارگری، به این جنبش و به جنبش ۹۹ درصدیها، هدایت و رهبری شان را مدیون است و وظیفه دارد نقد کمونیسم کارگری نسبت به نظام سرمایه داری را جهانی نماید.

زنده باد انقلاب انسانی
حکومتی انسانی
زنده باد سوسیالیسم
زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران
مهران محبی

دو آکسیون اعتراضی برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران

شنبه، ۰۳ مارس ۲۰۱۲، ساعت ۲ تا ۵ بعد از ظهر

مرکز شهر (هاپت واخه) فرانکفورت

Tel: 01637907946 015773518300

01776541349

تشکیلات خارج حزب کمونیست کارگری ایران - فرانکفورت

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!



برعلیه سیاستهای ضد انسانی دولت آلمان شعار دادند که توجه تعداد زیادی از رهگذران را به خود جلب کردند. در محل ساختمان دادگاههای ورتسبورگ شهناز مرتب از طرف فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی خواهان مذاکره و جواب دادن مقامات دولت به خواستههای تظاهرکنندگان شد. مسئول دولت ناچار شد به میان معترضان آمده و در باره خواستها و مطالبات تظاهرکنندگان مذاکره نماید. نماینده دولت در اداره خارجیها قطعنامه و نامه ای که حاوی خواستههای پناهجویان بود را دریافت کرد. پناهجویان خواستار واکنش فوری مقامات دولتی و مسئولان در رسیدگی به خواستهها و مطالبات تظاهرکنندگان شدند.

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد آلمان تاکید می کند که تمام سعی و تلاش خود را برای رسیدن به خواستهها و مطالبات پناهجویان را به کار خواهد گرفت. ما اجازه نخواهیم داد که دولت آلمان با سیاستهای ضد پناهندگی اش جان و زندگی صدها انسان را به مخاطره

تظاهرات صدها پناهجو بر علیه سیاستهای ضد پناهدگی دولت آلمان در ورتسبورگ برگزار شد!

خواستهای برحق پناهجویان بود و به زبانهای مختلف تهیه شده بود، را قرائت کردند. در ادامه این برنامه خواهر محمد رهسپاردر سخنانی در اعتراض به دولت آلمان گفت: اگر به برادرم رسیدگی میشد این اتفاق نمی افتاد. همچنین نماینده ای از گروه حامیان مادران پارک لاله در حمایت از پناهجویان و اعتراضاتشان سخنرانی کرد.

سپس مینا احدی برای شرکت کنندگان سخنرانی کرد و سیاستهای ضد پناهدگی دولت آلمان را که باعث و بانی محرومیتها و بی حقوقیها در حق به متقاضیان پناهدگی است را، محکوم کرد. سخنان مینا احدی در باره پناهجویان و محکومیت دولتهای آلمان و ایران با استقبال شرکت کنندگان روبرو شد.

در ادامه حرکت اعتراضی تظاهرکنندگان به طرف ساختمان دادگاههای ورتسبورگ راه افتاده و

روز دوشنبه ۱۳ فوریه به دعوت فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی واحد آلمان و پناهجویان شهر ورتسبورگ و حمایت گروههای مدافع حقوق پناهدگی تظاهرات صدها نفری در ورتسبورگ برگزار گردید.

صدها نفر از پناهجویان ازهایمهای نزدیک در استان بایرن، انسانهای مدافع حقوق پناهدگی و آزادیخواه، در اعتراض به سیاستهای ضد پناهدگی دولت آلمان و شرایط غیرانسانی حاکم بر هایمهای پناهدگی از محل ایستگاه مرکزی قطار بطرف مرکز شهر دست به راهپیمایی زدند.

راهپیمایان پس از طی مسیری در میدان اصلی شهر تجمع کرده و با اعلام يك دقیقه سکوت به یاد قربانیان سیاستهای ضد پناهدگی، از جمله محمد رهسپار، متینگ اعتراضی خود را در این محل آغاز کردند. در ادامه بیانیهها و قطعنامههایی که حاوی مطالبات و

بندادند. دولت آلمان و مسئولان اداره خارجیها باید بدانند که اعتراضات ما تا رسیدن خواستههای برحق پناهجویان ادامه خواهد داشت. فدراسیون همه انسانهای آزادیخواه و مدافع حقوق پناهدگی و حقوق

انسانی را فراموشی خواند که از مبارزات جاری پناهجویان در ورتسبورگ حمایت نمایند. همبستگی-فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی- واحد آلمان ۱۴ فوریه ۲۰۱۲

اطلاعیه شماره ۲: هم بندان زانیار و لقمان مرادی خواهان لغو حکم اعدام این دو نفر شدند

طبق گزارشی که به ما رسیده است، ۳۰ زندانی هم بند زانیار و لقمان مرادی در زندان رجایی شهر با ارسال نامه ای به رئیس قوه قضاییه خواهان لغو حکم اعدام این دو جوان شدند. در این نامه اشاره شده که اعترافات این دو نفر تحت فشارهای طاقت فرسا صورت گرفته است. امضاکنندگان همچنین بر بیگناهی این دو جوان تاکید کرده اند.

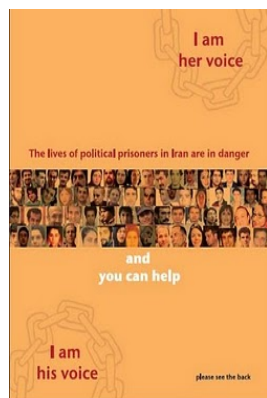
کمپین بین المللی برای آزادی زندانیان سیاسی ۱۲ فوریه ۲۰۱۲، ۲۳ بهمن ۱۳۹۰

Email: minaahadi@aol.com

Tel: 0049 (0) 1775692413

<http://notonemoreexecution.org>

<http://stopstonningnow.com/wpress>



زندانیان سیاسی از همه رسانهها و نهادهای مدافع حقوق انسانی تقاضا دارند در پخش اخبار زندانها و رساندن صدای اعتراض آنها به گوش جهانیان، نهایت تلاش خود را بکار برند.

کمپین بین المللی برای آزادی زندانیان سیاسی ۱۴ فوریه ۲۰۱۲، ۲۳ بهمن ۱۳۹۰

برخی اخبار از زندانهای ایران

مغایر بودن استناد حکم با تمام اصول حقوقی و قانونی و تداوم اجرای آن

وی در پایان نامه اش تاکید کرده است: اگرچه اعتصاب غذا را مغایر با حق حیات می دانم اما این آخرین و تنها راهی است که دستگاه های قضایی و امنیتی بر من تحمیل کرده اند.

این زندانی سیاسی اعلام کرده تا رسیدن به خواستههایش به اعتصاب غذای خود ادامه خواهد داد.

کبودوند رییس سازمان حقوق بشر کردستان و سردبیر نشریه پیام مردم است که دهم تیرماه ۱۳۸۶ بازداشت و به ۱۱ سال زندان محکوم شد.

زندانیان تبعیدی و وضعیت خطرناک زندانیان سیاسی

زندانیان سیاسی تبعیدی به زندانهای قم، اهواز و بهبهان در بدترین شرایط بهداشتی و زیستی

اطلاعیه شماره ۳:

بند ۳۵۰ اوین

محمد صدیق کبودوند از زندانیان بند ۳۵۰ اوین طی بیانیه ای اعلام اعتصاب غذا کرده و دلایل خود را چنین توضیح داده است:

۱- عدم اجازه دیدار با فرزندم که به بیماری صعب العلاج سرطان مبتلا شده است و در آستانه مرگ قرار دارد، به رغم درخواست های مکرر طی يك ماه گذشته

۲- عدم رسیدگی پزشکی و توجه به گزارش های پزشکان مبنی بر عدم توانایی تحمل کیفر

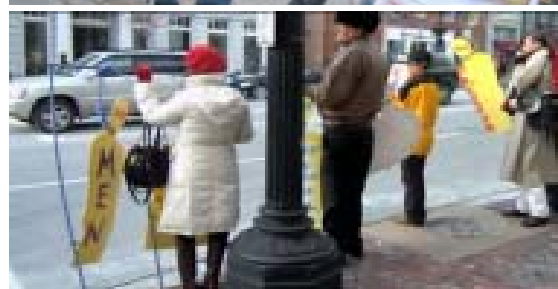
۳- محرومیت از ابتدایی ترین حقوق انسانی يك زندانی مطابق قواعد حقوقی و قانونی نظیر محرومیت در دیدار با خانواده و شکنجه های روحی و روانی خانواده ام از این طریق

۴- غیر قانونی بودن حکم محکومیت و اعمال اشد مجازات و

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

۱۲ فوریه روز اعتراض به احکام اعدام و همبستگی با کارگران زندانی در ایران

۱۲ فوریه برابر با ۲۳ بهمن از سوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، همایش فری ایران و کمپین برای آزادی کارگران زندانی بعنوان روز همبستگی با کارگران زندانی و اعتراض به احکام اعدام های تایید شده از جمله احکام اعدام



در ایران، خواستار اخراج جمهوری اسلامی ایران از مجامع بین المللی شد. شرکت تشکلات مختلف سیاسی در این آکسیون توجه عابری را بر خود جلب میکرد. در میان ۴ سخنران از تشکلات مختلف سیاسی سخنرانی نماینده تشکل پناهندگان جلب توجه نمود. آکسیون با خواندن متن اطلاعیه کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگران زندانی به پایان رسید.

Campaign to Free Political Prisoners in Iran (CFPPI)
Sarvar Kardar
Coordinator
+47 (0) 4133 3268

اعتراض به احکام اعدام تأیید شده جلب کرد و به اعدام های پی در پی رژیم اسلامی در ایران اشاره کرد و اعدامها را برگرفته از قانون بربریت و قرون وسطائی خواند و تأکید کرد که ما باید جنایتهای جمهوری اسلامی را به تمام دنیا افشا کنیم.

اصغر مهدیزاده یکی دیگر از شرکت کنندگان در این تجمع، اعدام را حربه ای برای ایجاد ارباب عمومی میان مردم یاد کرد، شگردی که رژیم برای حفظ طول عمر نظام آخوندی بکار گرفته است و اعدام را منفورترین محکومیت علیه انسانیت در جهان عنوان کرد و ذکر کرد که اعدام وسیله ای برای رژیم های دیکتاتوری که از آن برای به خفقان کشاندن آزادی های اجتماعی و سیاسی جامعه استفاده میکنند و لغو مجازات اعدام را از ملزومات جامعه برشمرد.

در میان سخنرانی ها با سردادن شعارهای سوئدی و فارسی مرگ بر جمهوری اسلامی، کارگر زندانی آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد و اعدام و شکنجه ملغی باید گردد توجه رهگذران را به این تجمع جلب کرده و ضمن پخش اطلاعیه در این خصوص توجه شان به امضای پتیشن در جهت حمایت از این حرکت پرداختیم.

ساعت نزدیک به ۱۶ پخش همه اطلاعیه ها نزدیک به ۲۰۰ برگ بین شهروندان سوئدی تمام شد و ضمن تشکر از تجمع کنندگان با سردادن شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی پایان یافت.

گزارشگر: کمپین برای آزادی کارگران زندانی واحد گوتنبرگ، بهرام تورانی، ۱۳ فوریه ۲۰۱۲

گزارش آکسیون اعتراضی در اسلو برای آزادی کارگران زندانی و احکام اعدام، یکشنبه ۱۲ فوریه

به گزارش سرور کاردار مسئول کمپین مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی روز ۱۲ فوریه به فراخوان این سازمان آکسیونی اعتراضی در اسلو در مقابل پارلمان نروژ شکل گرفت. در این گزارش آمده است: «این آکسیون در جواب فراخوان کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی با سخنرانی سرور کاردار مسئول کمیته آغاز شد. کمیته برای محکوم کردن احکام اعدام زندانیان زانیار و لقمان مرادی و همچنین دفاع از کارگران زندانی در سیاهچال های جمهوری جهل و جنایت به این اعتراض

در حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در گوتنبرگ سوئد

بنای به فراخوان کمپین برای آزادی کارگران زندانی و کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و همایش فری ایران ما در گوتنبرگ از طرف کمپین برای آزادی کارگران زندانی جمع شدیم و آکسیونی اعتراضی علیه اعدام و برای آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی برپا کردیم. در این آکسیون تعدادی از اعضای حزب کمونیست کارگری ایران نیز شرکت داشتند: روزیکشنبه ۱۲ فوریه از ساعت ۱۴ با تعدادی از دوستان با قراردادن میزی از پتیشن و آخرین اطلاعیه ها به زبان های سوئدی و فارسی باموضوع اعتراض علیه اعدام و برای آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و با نصب تابلوهایی حاوی تصویری از کارگران زندانی و زانیار و لقمان مرادی که با خطر اعدام مواجه شده اند و همچنین با نصب پارچه نوشته ها و پرچم هایی به زبان سوئدی و فارسی مربوط به لغو مجازات اعدام و آزادی کارگران زندانی در مرکز شهر گوتنبرگ Brunnsparken جمع شدیم.

همزمان با پخش اطلاعیه ها به زبان سوئدی و با اخذ امضای شهروندان سوئدی در فرم پتیشن در ابتدا محمود موسوی از اعضای این آکسیون با سردادن شعار مرگ بر جمهوری اسلامی به زبان سوئدی و فارسی توجه رهگذاران را به این اعتراض جلب کرد سپس اینجانب ضمن معرفی کمپین و اشاره به خواسته های کمپین به ویژه کمک و اطلاع رسانی در جهت نجات زانیار و

لقمان تأکید کردم و اظهار امیدواری نمودم برد خبری این اعتراضات در رسانه ها به ریشه کنی و لغوهرچه زودتر مجازات اعدام کمک خواهد کرد. سپس از دوستانی که مایل بوده اند در این تجمع سخنرانی یا اظهار نظری داشته باشند دعوت نمودم که در ذیل به مختصری از سخنرانی هایی که رفقا و دوستان شرکت کننده در این تجمع حضورداشتند میپردازم در ابتدا اولین سخنران، شیرین شکرزاده از اعضای شرکت کننده در این کمپین به ایراد سخنرانی پرداخت و اظهار نمود باید در مقابل جنایات و اعدام های پنهان یا آشکار و علنی رژیم ایستاد و مردم دنیا را باید از این جنایات مطلع کرد و در آخر افزود باید با تمام قدرت تمام دنیا را به اعتراض علیه جنایات رژیم دعوت کرد

رضا یکه زارع از دیگر اعضای شرکت کننده در این تجمع به سخنرانی به زبان سوئدی پرداخت و مردم را برای حمایت از زندانیان سیاسی و توقف اعدام فراخواند و خواستار لغو حکم مجازات اعدام در ایران و آزادی زندانیان سیاسی شد و پس از آن نفیسه قائم مقامی از اعضای کمپین نیز با سخنرانی به زبان سوئدی خواستار حمایت از توقف حکم اعدام و لغو این مجازات قرون وسطایی در ایران شد

پس از آن مریم بنائی یکی دیگر از سخنرانان شرکت کننده در این تجمع توجه جمع را به مناسبت ۱۲ فوریه روز همبستگی با کارگران و

چند خبر از وضعیت کارگران زندانی و احضار فعالین کارگری به دادگاه

وضع جسمانی علی نجاتی وخیم است

بنا به گزارشی از سوی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری که ۱۹ بهمن منتشر شده، علی نجاتی عضو هیات مدیره سندیکای نیشکر هفت تپه در وضعیت جسمی بدی بسر میبرد. او اخیراً عمل قلب داشته و پزشکان وی اعلام کرده بودند که علی نجاتی باید در مرخصی بسر برد. اکنون علی علاوه بر بیماری قلب دچار عفونت کلیه چپ نیز شده است. جانبان اسلامی علی نجاتی را به جرم مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه برای ایجاد سندیکایشان و در اعتراض به دستمزدهای پرداخت نشده و حق و حقوقشان، محکوم به زندان کرده اند. او قبلاً ۶ ماه در اسارت جمهوری اسلامی بود و در حال حاضر با حکم یکسال زندان، در بازداشت بسر میبرد. با وجود اینکه پزشکی قانونی برای علی نجاتی حکم مرخصی پزشکی صادر کرده و دادستان جمهوری اسلامی در شوش

نیز این حکم را تایید کرده است و با وجود وضع جسمانی وی، او را همچنان در زندان نگاهداشته اند. جمهوری اسلامی در قبال جان علی نجاتی و همه زندانیان سیاسی مسئول است. علی نجاتی باید فوراً آزاد و تحت درمان پزشکی لازم قرار گیرد.

شریف ساعدپناه عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران به دادگاه احضار شد.

بنا بر خبر منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران شریف ساعد پناه عضو هیات مدیره این تشکل کارگری ساعت ده صبح ۲۳ بهمن با احضاریه کتبی شعبه چهار دادیاری دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در سنندج در این دادگاه حاضر شد. و بعنوان آخرین دفاعیه در پرونده اش، اتهامات وارده توسط مامورین امنیتی علیه خود را رد کرد. طبق این خبر شریف ساعد پناه طی دفاعیه‌ای کتبی از عضویت خود

در هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و داشتن بولتن خبری اتحادیه در منزل اش دفاع کرد و بر حقانیت کارگران برای اعتراض و داشتن تشکلهایی که بدست خود برپا میکنند تاکید نمود.

احضار دبیر کانون صنفی معلمان گرمانشاه به حراست

بدنبال اعتصاب معلمان گرمانشاه در هفته گذشته در اعتراض به دو ماه دستمزد پرداخت نشده خود، و موفقیت آنان در نقد کردن یکماه حقوق خود، محمد توکلی دبیر کانون صنفی معلمان در این شهر به حراست آموزش و پرورش احضار شد.

جان شاهرخ زمانی و محمد جراحی در خطر است

بنا به خبری از کمیته حمایت از شاهرخ زمانی که در ۲۱ بهمن منتشر شده شاهرخ زمانی و محمد جراحی جانشان در خطر است. طبق گزارش این کمیته روز سه شنبه ۱۸ بهمن در بند قرنطینه زندان مرکزی

تبریز به دنبال نقشه‌ای از پیش طرح شده، از سوی مسئولین زندان و مأموران وزارت اطلاعات که تعدادی از زندانیان عادی تحریک شده را به این بند انتقال داده بودند، به دلیل مزاحمت‌های مکرر این افراد، میان آنان و محمد جراحی درگیری ایجاد شد. بدنبال اعتراض زندانیان مسئولین زندان این افراد معلوم الحال را از بند قرنطینه خارج کردند. اما یک روز بعد دوباره آنها را به بند قرنطینه بازگرداندند. بدین ترتیب همچنان جو بند با طرح و نقشه‌های از پیش طراحی شده توسط اطاق ۳۷ در بند قرنطینه متشنج است و شاهرخ زمانی و محمد جراحی زیر



تهدید خطراتی هستند که وجود این افراد برای آنها ایجاد میکنند. در اعتراض به این وضعیت روز ۲۳ بهمن ۱۳۹۰ شاهرخ زمانی و محمد جراحی نامه دیگری به مسئولین زندان مرکزی تبریز نوشته‌اند که هرچه زودتر آنها را به بند عمومی انتقال دهند. در این نامه شاهرخ و محمد به مسئولین زندان اعلام کرده اند که اگر به درخواست آنها جواب مثبت داده نشود دست به اعتصاب غذای نامحدود خواهند زد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی ۲۷ بهمن ۱۶،۹۰ فوریه ۲۰۱۲

شب همبستگی با کارگران زندانی در فرانکفورت میز اطلاعاتی در حمایت از کارگران زندانی در هانور در آلمان

۱۱ فوریه برابر با ۲۳ بهمن از سوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی شبی در همبستگی با کارگران زندانی در ایران برگزار شد. این برنامه در ساعت ۶ بعد از ظهر این روز در دانشگاه فرانکفورت برگزار گردید که شامل سخنرانی، نمایش فیلم، شعر خوانی و موزیک بود

۱۱ فوریه در هانور در آلمان در حمایت آزادی کارگران زندانی از سوی تشکیلات حزب کمونیست کارگری ایران در ساعت ۱۳ تا ۱۵ در مرکز شهر میز اطلاعاتی گذاشته شد.

حزب کمونیست کارگری ایران ۲۴ بهمن ۱۳۹۰، ۲۳ فوریه ۲۰۱۲

نقد کردن دستمزدهای معوقه خود دست به اعتصاب زدند. مدیریت نبود بازار برای فروش محصولات، کمبود مواد اولیه مصرفی، افزایش واردات و قاچاق کالاها را بهانه به گرو گرفتن دستمزد کارگران قرار داده است. کارگران که ۹ ماه بدون هیچ

مصوبه دولت در این زمینه شامل وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی و غیردولتی، شرکت‌های دولتی، شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی و شرکت‌های مشابه خواهد بود و موسسات و شرکت‌های تحت نظر مستقیم خامنه‌ای از این قانون مستثنی هستند. طبق مصوبه دولت، همه دستگاه‌های اجرایی مکلف شده‌اند که قراردادهای منعقد شده با شرکت‌های پیمانکاری برای تامین نیروی انسانی را ظرف ۱۵ روز پس از ابلاغ مصوبه شانزدهم بهمن فسخ کرده و با کارکنان شرکتی به طور مستقیم قرارداد ببندند.

کارگران پوریس سنندج دست به اعتصاب زدند

کارگران پوریس سنندج ۹ ماه دستمزد طلب دارند. کارگران این کارخانه بارها دست به تجمع و اعتراض زده و خواهان پرداخت فوری و کامل دستمزدهای خود شده اند. روز ۲۳ بهمن کارگران بار دیگر برای

سه خبر از اعتراضات کارگری در ایران

خواست خود مبنی بر برچیده شدن شرکتهای پیمانکاری از پای خواهند نشست. علیرغم تصمیم کارگران برای تعویق اعتصاب، روز ۲۳ بهمن محل پارکینگ‌ها که برای تجمع در نظر گرفته شده بود بشدت تحت کنترل ماموران حراست قرار گرفته بود.

تجمع کارگران شهرداری تبریز

کارگران شهرداری تبریز نیز مانند کارگران پتروشیمی ماهشهر و بسیاری دیگر از مراکز کارگری خواهان کوتاه شدن دست پیمانکاران از محیط‌های کار هستند و روز ۲۳ بهمن ماه در مقابل ساختمان فرمانداری این شهر تجمع کردند و بر خواست خود پافشاری کردند. در این تجمع اعتراضی، کارگران خواستار تعیین تکلیف وضعیت استخدامی خود و پاسخ قاطع مسئولان در این زمینه شدند. کارگران میگویند با وجود مصوبه دولت مبنی بر حذف شرکت‌های پیمانکاری، شهرداری تبریز از انعقاد قرارداد مستقیم با کارگران خودداری میکند. به گزارش سایت دولتی ایلنا،

کارگران پتروشیمی های ماهشهر موقتا اعتصاب را به تعویق انداختند

کارگران پتروشیمی ماهشهر در ادامه مبارزه برای کوتاه شدن دست پیمانکاران از محیط‌های کار التیماتوم داده بودند که روز یکشنبه ۲۳ بهمن بطور سراسری و در سطح مجتمع دست از کار بکشند و در ساعت هشت و نیم صبح این روز در محل پارکینگ اتوبوسها اجتماع کنند. طبق خبری که اتحادیه آزاد کارگران ایران در سایت خود منتشر کرده است، بدنبال این التیماتوم، خبر پرداخت پاداش نفت سالیانه به این کارگران قوت گرفت و کارگران طی جلساتی در روزهای ۲۱ و ۲۳ بهمن که در محل ناهارخوری کارخانه برگزار شد، تصمیم به تعویق اعتصاب گرفتند.

کارگران بدنبال بن بست مذاکرات خود با مسئولین پتروشیمی بندر امام در روز ۱۸ بهمن تصمیم به اعتصاب و تجمع گرفته و اطلاعیه شماره چهار خود را پخش کرده بودند. کارگران اعتصاب را به تعویق انداختند اما اعلام کردند که تا تحقق

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla_daneshfar@yahoo.com
00447779898968

شهلا دانشفر

bahram.soroush@gmail.com
0044-7852 338334

بهرام سروش

http://free-them-now.blogspot.com/p/

کتاب مجموعه نوشته های منصور فرزاد در سالگرد درگذشت او منتشر شد، یادش گرامی باد



منصور فرزاد
مجموعه نوشته ها

میکند.

کادرها و فعالین حزب کمونیست کارگری در هر کشوری که حضور دارند سردمدار و مدافعین واقعی حقوق مردم در زمینه های مختلف هستند. فقط از خود این فعالیت های آخر هفته میشود فهمید که این حزب و فعالینش چه فعالیت های متنوعی دارند، برای چه اهداف انسانی مبارزه میکند و چطور با چنگ و دندان در اروپا و کشورهای مختلف در دفاع از آزادیها می جنگند، حتی در دفاع از آزادیهای خود مردم اروپا که حق آزادی بیان داشته باشند و هر اسلامی و احدالناسی غلط میکند که در این آزادی آنها اخلاص و محدودیت ایجاد کند. خود این فعالیتها بنظر من چهره حزب کمونیست کارگری و فعالین آن را نشان میدهد که تا چه حد مصمم و رادیکال هستند و تا چه حد اهداف انسانی روشنی دارند. و این فقط شامل این آخر هفته نمیشود. این کار هرروزه و دائمی فعالین حزب در خارج کشور است و بنظر من مقایسه بسیار خوبی هم هست بین حزب کمونیست کارگری و سایر بخشهای اپوزیسیون.

(از نازیلا صادقی که این مصاحبه را برای نشریه انترناسیونال پیاده کرده اند سپاسگزاریم) *

محدودیت ایجاد کنند و خوب این مستقیما مربوط به ایران نبود ولی مردم ایران بیشتر از هر کسی درک میکنند این حرکت را در مقابل اسلامی ها که به شما چه که دانشجویان پوستر محمد و مسیح را با لیوان های آبجو کشیده اند؟ وقتی کسی نتواند چنین کارهایی را انجام بدهد آن هم در اروپا یعنی آزادی بیان را محدود کند. خود آن دانشجو، راز مورگان، هم به این میتینگ آمد و سخنرانی خیلی خوبی کرد و مریم نمازی در واقع شجاعانه پرچی بالا کرد و گفت ما در مقابل این می ایستیم و نهادهای مهمی در انگلیس را به خیابان آورد و گفت نمیشود سکوت کرد. باید به خیابان آمد و مرتجعین اسلامی را در سوراخ کرد. یکی از سخنرانان گفت "اگر ما در اینجا نتوانیم جلو دست درازی اسلامی ها به آزادی ها را بگیریم چطور می توانیم از مبارزینی که در ایران و خاورمیانه علیه آنها مبارزه می کنند دفاع کنیم. این وظیفه ماست." یا حرکتی که در آلمان بود در دفاع از پناهندگان در روزنامه های مختلف منعکس شد. فعالیت های متنوعی که در مورد زندانیان سیاسی و کارگران زندانی در ایران انجام شد نیز موضوعی است که دنیا را نسبت به بی حقوقی مردم، به اعتراض کارگران و مردم و به یک مبارزه فعال و زنده در ایران آگاه میکند و همبستگی آنها را جلب

لندن بود که صدها نفر در آن شرکت کردند، تعداد زیادی از چهره های مشهور آنتیست و مدافع آزادی بیان امثال ریچارد داوکینز، نویسنده ها و مسئولین نهادهای دانشجویی و نهادهای مدافع آزادی بیان سخنرانی کردند و در واقع میشود گفت مهمترین نهادهای عرصه آزادی بیان و بسیاری چهره های شناخته شده در سطح بین المللی از آن حمایت کردند که بنظرم اتفاق خیلی مهمی بود. اسلامی ها در انگلیس به بهانه اینکه در یک دانشگاهی یک دانشجویی پوستری کشیده بود و تبلیغ کافه تریای دانشگاه را کرده بودند دو لیوان آبجو هم داده بودند دست محمد و مسیح. اسلامی ها اعتراض کرده بودند و خواسته بودند شلوغ بکنند ولی با این تظاهرات تو دهنی بسیار محکمی خوردند. بنظر من به هر کدام از این فعالیت ها نگاه کنیم مبینم حول حقوق و آزادی های مردم و علیه جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی بود، حرکتی موفق و متنوع که با مستقیما توسط واحدهای حزب کمونیست کارگری سازمان داده شده بود یا نهادهایی که سازماندهان اصلی و سخنگویان سازماندهای حزب هستند.

حمید حقشناس: اینگونه فعالیتها چه تاثیری برای جلب حمایت مردم دارند و چطور میتوانید حمایت مردم را جلب کنید و موفقترین فعالیت کدامیک از این فعالیتها ارزیابی میشود؟

اصغر کریمی: فرضا در جنوب سوئد که رفقای ما تظاهرات کردند پیامشان به آن جامعه و به آن موسسه که امکاناتی در اختیار مزدوران جمهوری اسلامی گذاشته بود این بود که چرا ساختمان در اختیار مزدوران رژیم قرار میدهند این افکار عمومی را به نفع ما بسیج میکنند. مردم شرافتمند سوئد و اروپا به ما حق میدهند که بگوئیم مامشات با جمهوری اسلامی، با دشمنان مردم ایران ممنوع. اینها جنایتکارند و همینطور که در دوره فاشیسم کسی اجازه نداشت ساختمانی را به فرستادگان هیتلر اجازه بدهد الان هم نباید به جمهوری اسلامی اجازه داده شود. این حرف بسیار مشروع است و توجه جلب میکند. یا فعالیتی که مریم نمازی در ۱۰ کشور سازمان داده بود، اسلامیها در چند جا خواستند

یک آخر هفته

مصاحبه کانال جدید با اصغر کریمی

اصغر کریمی: طبعاً هر کدام از اینها پیامهای خاص خودش را دارد. فرضا حرکتی که در جنوب سوئد بود اعلام این مسئله بود که به جمهوری اسلامی اجازه نمیدهم در داخل ایران یک زندگی فلاکت بار، پر از شکنجه و جنایت و اعدام حاکم کند و در خارج کشور بخواهد خودش را نماینده مردم جا بزند. ما سالهاست اعلام کرده ایم هر جایی که بخواهند برنامه ای بگذارند با قدرت میرویم و در مقابل آنها می ایستیم، افشایشان میکنیم. در عین حال ما به مسئولین ساختمانی که وابسته به دولت سوئد بود و سالن را در اختیار مزدوران رژیم گذاشته و یا به آنها اجازه داده بود شدیداً اعتراض کردیم و بسیار موثر بود و به درجاتی عقب نشینی کردند و ما سعی میکنیم که هیچ موسسه ای جرات نکند ساختمانی را در اختیار جمهوری اسلامی بگذارد. در دفاع از حقوق پناهندگان طبعاً مردم و جوانانی که از ایران فرار میکنند و به خارج می آیند باید بلافاصله پناهندگی آنها پذیرفته شود، حتی زنی که صرفاً بخاطر حجاب و یا هر معضل دیگری از ایران فرار میکنند گفتیم این حقشان است که پناهندگی بگیرند و بویژه فعالین ما در فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی که بزرگترین سازمان دفاع از حقوق پناهندگی مربوط به ایران است فعلاً تظاهرات سازمان میدهند، به پناهندگان کمک میکنند، به آنها مشاوره میدهند و قوانین را به نفع پناهندگان عوض میکنند. تعداد قابل توجهی از مردم آلمان و پناهندگان زیادی در تظاهرات شنبه شرکت کردند، برخی سازمانهای مهم آلمانی هم از این حرکت حمایت کرده بودند و رفقای ما نقش فعالی در جهت دادن به این تظاهرات داشتند. همینطور حرکتهایی که در دفاع از کارگران زندانی، علیه اعدام و در دفاع از زندانیان سیاسی داریم که اهمیتش روشن است بویژه جمهوری اسلامی دستگیری فعالین کارگری را شدت داده و باید با اعتراض بیشتری مواجه شود. اینها حرکتی دائمی و همیشگی ما است. و بالاخره حرکتی در دفاع از آزادی بیان در ۱۰ کشور سازماندهی شد که مهمترینش در

حمید حقشناس: با سلام به شما بینندگان عزیز. روزهای شنبه و یکشنبه گذشته فعالیتهای متنوعی در کشورهای مختلف در دفاع از زندانیان سیاسی، در دفاع از کارگران زندانی و در دفاع از آزادی بیان و غیره انجام شد که کادرها و فعالین حزب کمونیست کارگری ایران سخنران و سازمانده آنها بودند. با اصغر کریمی در این مورد گفتگو میکنیم. اصغر کریمی میتوانید در مورد فعالیتهای این هفته کادرها و شخصتهای حزب برای بینندگان ما توضیح دهید؟

اصغر کریمی: فعالین حزب در خارج کشور آخر هفته بسیار فعالی داشتند که همه این فعالیتها اهمیت دارد. از جمله در ۱۰ شهر در دفاع از آزادی بیان که معمولاً توسط جریانهای اسلامی حتی در اروپا نقض میشود تظاهراتهای خیلی خوبی برگزار شد که مهمترینش در لندن بود. در چندین کشور از آمریکا تا کشورهای اروپایی از جمله لندن، اسلو و فرانکفورت در دفاع از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و علیه اعدام ها، میتینگها و شب های همبستگی برگزار شد. در آلمان در دفاع از حقوق پناهندگان و کمی قبل ترش در جنوب سوئد در مقابل کنسرتی که مزدوران جمهوری اسلامی به بهانه سالگرد قیام ۵۷ سازمان داده بودند تظاهرات بزرگ و خوبی برگزار شد. در سالنی که مزدوران رژیم به بهانه سالگرد ۲۲ بهمن کنسرت گذاشته بودند و ۳۰، ۴۰ نفری بیشتر نبودند رفقای ما افشاگری کردند، عکس خامه ای و احمدی نژاد و مقامات رژیم را آتش زدند و علیه جمهوری اسلامی و جنایاتش در ایران و سوریه شعار دادند. همینطور در کانال جدید برنامه پخش مستقیمی علیه حکم اعدام لقمان و زانیار مرادی بود که بسیاری از مردم در این مورد صحبت کردند و فراخوان دادند. همینطور که توجه میکنید این حرکتها عرصه های متنوعی را در برمیگرفت.

حمید حقشناس: اهمیت این فعالیتها چیست و چه پیامی برای مردم کشورهایی که این فعالیتها در آنها انجام میشود دارد؟

۱۱ فوریه، روز دفاع از آزادی عقیده و بیان



استقبال پر شور شرکت کنندگان روبرو شد.

علاوه بر لندن در ۹ کشور دیگر استرالیا، برزیل، فرانسه، گامبیا، آلمان، لهستان، پرتغال، لبنان و آفریقای جنوبی شاهد برگزاری مراسم مشابهی بودیم. از جمله در کلن مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار در همبستگی با این حرکت برای ساعت ۲ تا ۴ این روز در مقابل دام پلاتس فراخوان به برپایی آکسیون داده بود.*

مذهب لطف می کنند گفت: این احترام پوچ به مذهب را تمام کنید. و گفت يك جامعه بدون آزادی بیان جامعه ای است صرفا با دانش و تکنولوژی در دوران سیاه! در سخنرانی پایانی مریم نمازی سخنگوی "سازمان يك قانون برای همه" از کسانی یاد کرد که در تمام دنیا برای آزادی بیان و عقیده مبارزه می کنند و از جمله از کسانی نام برد که جانشان را در این راه از دست داده اند و کسانی که هم اکنون جانشان در خطر است. سخنرانی مریم نمازی با

که باید همه نوع مردم با همه عقاید تحمل و پذیرفته شوند و اکنون اینها میخواستند تحت عنوان حمایت از اقلیتها جلو آزادی بیان را بگیرند. جالب اینجاست که همه میدانند که اسلام سیاسی سعی دارد که احساسات اسلامی را برانگیزد و تحت عنوان تعرض به مذهب جلو هر نوع نقد و در هر شکلی از آن مثل طنز و کاریکاتور و غیره را بگیرد. در این ماجرا مسلمانان عادی مدرسه از خود کاریکاتورست حمایت کرده بودند و انجمنهای دیگری هم که خود را سکولار و ائتییست نمایند بر حق آزادی بیان تاکید داشتند.

در واقع آکسیون اعتراضی ۱۱ فوریه اعتراضی بود به مقررات و قوانینی که توسط این مدارس و دانشگاهها وضع میشود و نیز اقدامات اخیر آنها که سعی در محدود کردن بیشتر آزادی بیان داشته اند. جریاناتی که از دولت هم ساپورت میگیرند.

در آکسیون ۱۱ فوریه جمعیتی جدی و مصمم و سراپا چشم و گوش حضور داشت. همه سخنرانی ها را به دقت دنبال و عکس المعل نشان می دادند. در میان آنها میشد زنان و مردانی را دید که به همراه فرزندان شان به آنجا آمده بودند. زن مبارز و پیگیر ۸۵ ساله ای به نام مریمان که همیشه مدافع سرسخت آزادی بیان و عقیده بوده یکی از این حضار بود. در این مراسم ریچارد داوکینز با سخنان پرشورش بسیار محبوب و در قلب همه جا داشت. مریم نمازی سازمانده این حرکت کسی که نقطه اتکا همه از فرد تا گروه و چهر های محبوب این جامعه است، با سخنرانی زیبایش در جمعیت می درخشید. فضا آنچنان اعتراضی بود که کسی از میان سخنرانان گفت اگر ما در اینجا نتوانیم به اینها حمله کنیم چطور می توانیم از مبارزینی که در ایران و خاورمیانه علیه اینها مبارزه می کنند دفاع کنیم این وظیفه ماست. رایز مورگان جوان ۱۷ ساله ای که کاریکاتور ها را روی فیس بوکش گذاشته بود، یکی دیگر از سخنرانان آن بود. این مراسم توسط ریچارد داوکینز اسپانسور شد. او خطاب به کسانی که چشم بسته به

(کمپین)، همچنین پیامی از طرف کاریکاتورست محمد و مسیح خوانده شد. فریبز پویا از سازمان سکولاریستهای ایران نیز مجری این مراسم بود. جمعیت حدود ۳۰۰ نفری میشد. جمعیتی که تک تک شان دنیایی از حرف و اعتراض بودند. همه میدانستند چرا آنجا جمع شده اند و با جان و دل آمده بودند تا اعتراض خود را به هر تعرضی به آزادی بیان و عقیده حتی در نوع مودب و با احترام پوچ به مذهب اعلام دارند.

این فراخوان به دنبال حملات فزاینده ای روی می دهد که اینروزها در انگلستان اتفاق افتاده است. از جمله این حملات، تهدید پسر جوان ۱۷ ساله ای به نام رایز مورگان است که کاریکاتور عیسی و محمد را روی سایت خود گذاشته بود که گیلانی مشروب در دست دارند. او این کار را در همبستگی با ائتییستها و سکولارهایی که قبلا این عکس را روی سایتشان گذاشته بودند انجام داده بود. تحت عنوان اینکه این عکسها ممکن است تلقی اهانت به مسلمانها را همراه داشته باشد از رایز خواسته شده بود که یا عکس ها را بردارد و یا از کالج اخراج میشود. همچنین اخیرا جلسه ای در کالج سنت مری که در آن قرار بود "آن ماری واترز" یکی از فعالین نهاد قانون برابر برای همه در مورد قوانین شریعت در انگلستان سخنرانی کند که به دلیل تهدیدات اسلاميون و آمدن پلیس لغو شد. یکی از سایتهای اسلاميستها با اعلام اینکه "چه کسی به این کفار اجازه حرف زدن داده است؟" فراخوان به هم زدن این جلسه را داده بود. دو روز بعد از این ماجرا در همان کالج جلسه ای به فراخوان جامعه اسلامی آنجا برگزار شد که در آن کسی که سخنرانی می کرد خواهان قتل مرتدین و مسلمانان سکولاریست و کسانی که اسلام را به طنز می کشند شده بود. بدین ترتیب هر دو این مدرسه و کالج بعد از این ماجراها مقرراتی وضع کردند که ناقض آزادی بیان و انتقاد به مذهب بود.

این در حالیست که در انگلیس قانونی هست که در آن ذکر شده است

گزارشی از بهار میلانی
۱۱ فوریه، برابر ۲۲ بهمن به دعوت سازمان "قانون برابر برای همه" آکسیون در لندن در دفاع از آزادی ابراز وجود و حق نقد کردن مذهب فراخوان داده شد. این آکسیون در ساعت ۲ تا ۴ این روز در محل تظاهرات در اولد پالاس یارد (روبروی مجلس اعیان) برگزار و دهها چهره سرشناس جهانی در آن سخنران بودند. از جمله کسانی که در لیست سخنرانان قرار داشتند عبارت بودند از: "ریچارد داوکینز (دانشمند)، ای سی گریلینگ (فیلسوف)، آلکس گابریل (بلاگر)، آن ماری واترز (سازمان قانون برابر برای همه)، کارولاین کاکس (عضو مجلس)، دریک لنارد (انجمن همجنسگرایان انساندوست)، فیصل قاضی، گیتا ساگال (مرکز محیط سکولار)، حسن افضل (تلاش برای صلح)، جنیفر هاردی (جامعه سکولاریستها، اومانیستها و آته نیستها) دانشگاه کوین ماری)، جنی بارتل (فدراسیون سراسری انجمنهای دانشجویان سکولاریست، اومانیست و آته نیست)، جیم فیتز پاتریک (عضو پارلمان)، کیت سمارتوت (کمیدین)، کنعان ملک (نویسنده)، لیلیت (شاعر از طرف جنبش ضد بی عدالتی)، مارکو تراچینو (گروه اومانیستها مرکز لندن)، مارک امبلتون (آنتیسم بریتانیا)، مریم نمازی (قانون برابر برای همه و شورای اکس مسلمهای بریتانیا)، نیک کوهن (نویسنده)، نیک دوودی (کمیدین)، پراگنا پاتل (خواهران سیاه پوست ساوت هال)، رشید علی (سنتری)، رایس مورگان (فعال دانشجویی)، روی براون (اتحادیه جهانی اومانیستها)، روبرت ساتون (فعال حقوق دانشجویی)، سهیلا شریفی (علیه تبعیض)، سو کاکس (صدای بازماندگان اروپا)، ساداس هوریان (جامعه دانشجویان آته نیست، سکولاریست، اومانیست دانشگاه اقتصاد لندن) سوسن ژوانگ (جامعه دانشجویان آته نیست، سکولاریست و اومانیست کالج لندن)، کیث پرتیوس وود (جامعه سراسری سکولاریستها) و یاسمین رحمان

Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهلا دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!